

# جنبش کارگری

نشریه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری





# جنبش کارگری

[Komite.hamahangi@gmail.com](mailto:Komite.hamahangi@gmail.com)

[WWW.Komitevehamahangi.com](http://WWW.Komitevehamahangi.com)

## اعزام هیاتی از اعضای کمیته هماهنگی به کوره های آجرپزی (وایقان) و دیدار با نمایندگان کارگران

با پایان یافتن فصل زمستان و سر برآوردن جوانه ها از خاک و شکوفه های درختان و با فرا رسیدن فصل بهار و شروع سال نو، پر کردن اوقات فراغت و استفاده از طبیعت زیبا و نقاط دیدنی و توریستی، موزه ها و تفریحگاهها و لذت بردن از دیدن مناظر بکر طبیعی، شبی آرامیدن در هتلهای با شکوه و مجلل و سر زدن به مناطق مختلف کشور و حتی خارج از کشور، شرکت در اردوهای مختلف تفریحی و استفاده از تمامی و آخرین امکانات و دستاوردهای تفریحی بهداشتی و آسایشی، در لیست برنامه ریزی خانواده ها و دیگر گروههای اجتماعی قرار میگیرد. البته نه تمامی خانواده ها بلکه استفاده از تمامی امکانات جامعه فقط شامل حال خانواده های مخصوص و پر درآمد جامعه میشود و این فقط یک روی سکه و روی سفید آنست و اما .....

روی دیگر و سیاه این سکه، داستان پر از درد و رنج و مشقت دهها هزار زن و مرد و کودک نگون بخت و تیره روزی است که برای امرار معاش و کسب درآمدی ناچیز از نقاط مختلف کردستان راهی شهرهایی که کوره های آجرپزی در آنجا قرار دارند، میشوند و پنج شش ماه تمام و گاه بیشتر به شدیدترین شیوه ممکن استثمار میشوند و شیر جانی آنها مکیده میشود تا عده ای زانو سفت هر چه بیشتر در آسایش باشند و آجرهای ساخته شده بدست کارگران، برجها و آپارتمانهای آنها را به آسمانها بسایند.

اینان دیگر به فکر سفرهای تفریحی و تفنن و پیک نیک نیستند، به فکر استفاده از چشمه های طبیعی آب درمانی و آسودن در ویلاهای مجلل نیستند، شاید در خواب هم غذاهای تمیز و خوشمزه نبینند، تمام هم و غم اینان و ملکه ذهنشان تحمل گرمای سوزان و وحشتناک جهنمی است که سرمایه داران برای آنان تدارک دیده اند، در این فکرند که نکند امسال یکی از اعضای خانواده شان در اثر سوانح محل کار از دست برود، در این فکرند تا جایی که در توان دارند

❖ اعزام هیاتی از اعضای کمیته هماهنگی به کوره های آجرپزی  
صفحه ۲

❖ تشکل چیست و تشکل واقعی ما کارگران کدام است؟  
صفحه ۶

❖ متن مصاحبه بهزاد سهرابی با صدیق سبحانی از کارگران نساجی کردستان  
صفحه ۹

❖ گفت و گو با محمود صالحی حول برخی موانع و معضلات کنونی تشکل پابی کارگران  
صفحه ۱۴

❖ گزارشی از وضعیت کارومعیشت جوشکاران سیاراشنویه  
صفحه ۱۷

❖ اخبار کارگری در یک ماه گذشته  
صفحه ۱۸

بیشتر کار کنند تا اندک توشه ای برای حال و زمستانشان فراهم کنند تا از گرسنگی نمیرند .

اینان دیگر به فکر دیدن موزه ها و تفریحگاهها نیستند بلکه به دیدن خانه های تتگ و تاریک کوره پزخانه ها میروند و شورابه های کثیف و غیر بهداشتی کوره پزخانه ها انتظارشان را میکشند . ساکنان این روی سکه دیگر در فکر اقامت در هتلهای مجلل نیستند بلکه اتاقهای کاه گلی در انتظار آنها هستند و اینان میروند که نیروی کار خود را به ارزانترین قیمت ممکن به سرمایه داران بفروشند و تمام وجود خود را در معرض فشارهای طاقت فرسای کاری و شديدا غیر انسانی قرار دهند و واقعا کار در شرایط سخت و طاقت فرسای کوره پزخانه ها جزء کارهای سخت و به شدت غیر انسانی به حساب می آید و درجه استثمار در آن در بالاترین مرحله خود قرار دارد .

و اینان به این ترتیب به سوی سرنوشتی مبهم و مخوف با دلی لبریز از درد و با قلبی آکنده از رنج و مرارت ، گام برمیدارند و با صدایی لرزان فریاد میزنند : اهای اهای ، حراج حراج . و با شنیدن کلمه محبوب و دوست داشتنی حراج ، سرمایه داران زانو صفت از فرط شادی و هیجان ، سرعت ضربان قلب همچو سنگشان زیادتز شده و خالق خود را شکر گزارند که باز هم نیروی کار حراج شد و ارزش افزوده خودشان بیشتر خواهد شد . آهای گرگهای گرسنه بیابید حراج کرده ام ، این مقدار نیروی کاری که دارم میخواهم در قبال مزدی بخور و نمیر بفروش برسانم و شما آنقدر حریص و آزمند و طمعکار هستید که بر سر ارزانتر خریدن نیروی کار ما ، ما کارگران و صاحبان تولید نعمت در جامعه رابه رقابت انداخته اید و هرکس نیروی کارش را ارزانتر به شما بفروشد ، ظاهرا نزد شما محبوبتر است ، اما بدانید که درست است ما گرسنه ایم اما بیداریم و از نیات پلید و زشت شما آگاهییم .

شهرستان شبستر واقع در استان آذربایجان شرقی با داشتن تعداد زیادی از کوره های ملی و دستی آجر پزی هر ساله تعداد زیادی از کارگران فصلی شهرهای مختلف کردستان را به سوی خود جذب می کند ، بیشتر این کوره ها در مناطق وایگان- دیزج خلیل - اروان گولی و سروان گولی قرار دارند که تعداد آنها در وایگان ۳۳۰ الی ۳۵۰ کوره ی دستی - دیزج خلیل ۶-۵ کوره ی ملی و ۲۰ الی ۳۰ کوره ی دستی- اروان گولی ۳۰ کوره ی دستی و سروان گولی ۸-۷ کوره ملی و ۲۰ کوره دستی - کوره های آجر پزی این منطقه حدودا ۱۰ الی ۱۲ هزار نفر کارگر را در خود جای داده است .

از شهر شبستر تا شهر وایگان حدودا ۳ کیلومتر راه است که به وسیله جاده آسفالت به همدیگر وصل می شوند ولی از ابتدای شهر

وایگان تا ۳ کیلومتر بعد از خارج شدن از شهر ، تعداد ۳۳۰ الی ۳۵۰ کوره دستی در هر دوطرف جاده باریک خاکی قرار دارند که مساحت هر کدام از این کوره ها چیزی در حدود ۷ الی ۱۰ هزار متر مربع می باشد . هر کوره بیشتر از ۲ - ۳ خانوار را نمی تواند در خود جای دهد و همین امر باعث شده است که به لحاظ بهداشتی ، خیلی در مضیقه باشند و از کمترین امکانات بهداشتی برخوردار هستند . در هر کوره حداکثر ۳ یا ۴ اتاق یا در واقع اتاقک وجود دارد که طول و عرض آنها ۳ \* ۲ ، ۳/۵ \* ۲/۵ و حداکثر ۳\*۴

می باشد که این فضای کم و محدود هم به عنوان اتاق نشیمن ، هم به عنوان آشپزخانه و اتاق خواب و حمام مورد استفاده کارگران قرار می گیرد. اغلب این اتاقهای تتگ و تاریک از کاه و گل ساخته شده اند و سرپوشی بنام سقف روی آنها را پوشانده است و بندرت دیده میشود که اتاقکی از آجر ساخته شده باشد . هر کدام از این اتاقکها ، ظرفیت ۲ نفر را دارا هستند اما کارگران مجبورند ۴ نفری در آنها استراحت کنند . اندازه هر آجر ۲۱ \* ۱۱ \* ۶ می باشد و وزن هر آجر خشک حدودا ۱/۵۰۰ تا ۱/۶۰۰ گرم هست . کارگران به لحاظ بهداشت و درمان شدیدا در مضیقه اند و برای کوچکترین و بی اهمیت ترین مریضی و مراجعه به پزشک بدون دفترچه ، حداقل ۱۵ الی ۲۰ هزار تومان باید بپردازند . واقیعت این است که کارگران کوره های دستی از هرگونه حقوق انسانی محروم هستند ، حتی تهیه نان خشک برای گارگران معضل بزرگی به حساب می آید و گاهها " یک قرص نان از ۵۰ تا ۷۰ تومان حتی ۱۰۰ تومان به فروش میرسد و بدلیل کثرت کارگران ، بارها پیش آمده که نان به همه نمی رسد و این همه در شرایطی است که آسایش و رفاه و استفاده از کلیه امکانات جامعه در سطح فوق العاده بالایی برای بعضی از آحاد جامعه به اوج خود رسیده ، در حالی که کارگران شاغل در کوره پزخانه ها تحت سخت ترین شرایط روحی و جسمی کار میکنند . صبحها آسمان پر ستاره است که سر کار می روند و شبها وقتی دست از کار میکشند ، متاسفانه باز آسمان پر از ستاره است . ۱۷ ساعت کار شاق و طاقت فرسا و در این مدت کارگر بدون استراحت ، شدیدا به جسم و روح خود فشار وارد میکند و تمام حواسش به کار است ، نکند خستی گوشه نداشته باشد و یا خستها به هم بخورند ، چون خراب میشوند . وعده های غذا خوردن باید به سرعت سپری شوند و در روز ۵ وعده غذا می خورند . صبحانه نیم ساعت ، ناشتای نیم ساعت ، ناهار حداکثر ۱ ساعت و عصرانه و شام هم به همین ترتیب و پس از صرف شام ، کارگران از فرط خستگی و بیحالی در اتاقهایی که بیشتر به لانه حیوانات شباهت دارند تا به مسکن انسانها ، به خواب فرو میروند

اما این خواب دیری نمی‌پاید و از ساعت ۳-۴ نیمه شب، باز هم روز از نو روزی از نو.

در گروه پز خانه‌ها زنان و دختران بیشتر از مردان در رنج و عذابند، بدلیل اینکه جدا از کار کردن، باید به پخت و پز و لباس شستن و تمیز کردن اتاقها و رسیدن به کودکان، مشغول گردند. روزهای پنجشنبه و جمعه که روزهای تعطیل است، زنان باید به این امورات برسند و تازه بعد از اتمام این کارها باید به میدان بروند و خشتهای خشک شده را جمع کرده و به فنر در آورند و به اصطلاح فنر بزنند. و شدت و فشار کار به حدی زیاد است که بارها اتفاق افتاده که زنانی که حامله اند تا زمان وضع حمل و تولد نوزادشان، مشغول قالب زدن بوده اند. وضع و حال کودکان معصوم بسیار رفت بارتر و دردآورتر از بقیه است، آنهاجایی برای بازی کردن ندادند و تنها جای تفریح و بازی آنها، محیط کار والدینشان در میدان کار است و تنها وسیله بازی آنها گل و لای و شن و ماسه است و ساعتهای متمادی با پای برهنه و سر و صورت غبار آلود ولبهای ترک خورده، زیر نور آفتاب به شدت سوزناک و گرمای شدید و طاقت فرسای آن بالااجبار به بازی مشغولند و پس از خسته شدن به گریه وزاری می‌پردازند که این امر باعث خشم والدین و سرکوفت زدن به کودکان میگردد و چون والدین نیز بر اثر فشار کار، اعصابی برایشان باقی نمانده است. باید گفت که کودکان مظلومترین انسانهای کارگاههای آجر پزی می‌باشند. جدا از تمام مشکلات و نابسامانیها و معضلات بهداشتی، وجود سوسک و پشه و مار عقرب واقعا زندگی و جان کارگران را تهدید می‌کند و بارها اتفاق افتاده وقتی که همه خوابند، ناگهان با صدای فریاد و ناله یکی، وقتی که از خواب بیدار میشوند و لامپ را روشن میکنند، مشاهده می‌کنند که عقربی یا ماری، کارگری را نیش زده است.

به جز کارگران قالبدار در کوره‌های آجر پزی، کارگران دیگری نیز مشغول به کارند که از جمله به چرخ کش‌ها میتوان اشاره کرد که کارشان به مراتب سخت‌تر از بقیه است. چرخ‌کشها معمولا مرد می‌باشند چون کارشان به لحاظ فیزیکی خیلی سنگین و طاقت فرسا است و در دسته‌های ۶-۷ نفره کار می‌کنند. وظیفه چرخ‌کشها، انتقال آجرهای خام خشک شده از میدان قالبداران به داخل خمیرها می‌باشد. چرخ‌کش یک چرخ دارد که در هر سرویس ۹۰ الی ۱۰۰ خشت خام را به داخل خمیرها می‌برد تا کوره در دمای بسیار بالا، آجرها را بپزد و به آجر آماده تبدیل کند و برای انتقال آجرها به داخل خمیرها باید سرزیری تندی را طی کند و برای اینکار باید تمام اعضای بدن خود را هماهنگ کرده و به عقب بکشند تا چرخ از دستشان در نرود و کنترل خود را از دست ندهند.

در غیر این صورت پایه چرخ به سینه و پاهای آنها برخورد کرده و باعث شکستگی اعضای بدن و یا حتی فوت چرخ کش می‌شود. دسته‌ای دیگر از کارگران کوره پز خانه‌ها را قرمز دارها تشکیل میدهند که معمولا گروههای ۲-۳ نفره کار میکنند و در گرمای فوق العاده شدید و درجه حرارت بسیار بالایی، آجرهایی را که تازه دستگاه از روی آنها برداشته شده است را به بیرون منتقل می‌کنند. و بسیار اتفاق افتاده که در اثر نامناسب چیده شدن آجرها و ریزش ردیفی از آجرها به سر کارگران قرمز دار، باعث مرگ آنان شده است.

وضع جاده خاکی منتهی به کورهای وایگان به حدی خراب و ناهموار است که اگر با پای پیاده از آن عبور کنی تا قوزک پا در خاکریزی فرو میروی که انگار در داخل آب راه می‌روی و در اثر تردید وسایل نقلیه، گرد و غباری در این منطقه به هوا بلند میشود که وجود مه سنگینی را به ذهن متبادر می‌کند و با عبور هر کامیون و یا وسیله‌ای دیگر، گرد و غبار به داخل اتاقها و حتی سر سفره کارگران نفوذ می‌کند.

امسال کارگران پس از چند روز حضور در کوره پزخانه‌های وایگان متوجه میشوند که کارفرماها با هماهنگی با ارگانهای زیربسط، دستمزد کارگران را در سطح سال قبل نگه داشته اند یعنی در ازای هر ۱۰۰۰ خشت فقط ۷۸۰۰ تومان پرداخت نمایند. کارگران به این امر معترض میشوند ولی از سوی کارفرمایان مورد بی توجهی قرار میگیرند. سپس تمام کارگران در میدان شهر جمع شده و به شور و مشورت پیرامون افزایش دستمزدها و مطالبات دیگرشان می‌پردازند و بعد از بحثهای فراوان به این نتیجه میرسند که در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها دست به اعتصاب بزنند. از بین خود نمایندگانی را برای ادامه کار انتخاب می‌کنند. پس از اتخاذ این تصمیم، همه کارها تعطیل می‌شوند و کارگران به مدت ۵ روز اعتصاب می‌کنند. در خلال این پنج روز نمایندگان کارگران بارها با اتحادیه (؟) وایگان، اداره اماکن، بسیج اصناف، فرمانداری، بخشداری و اداره بازرگانی به بحث و مذاکره پیرامون بالا بردن دستمزدها و بهبود شرایط کاری و بهداشتی و... میبپردازند و در این میان کارفرمایان و نمایندگان ارگانهای مختلف با حيله و نیرنگ و انواع ترفندهای دیگر، سعی در تفرقه انداختن در صفوف کارگران و... می‌کنند ولی در مقابل اتحاد و یکپارچی کارگران، کاری از پیش نمی‌برند و بالاخره نمایندگان کارگران با قاطعیت و پشتیبانی کارگران موفق به تحمیل دستمزد ۱۰/۰۰۰ تومان در قبال هر ۱۰۰۰ خشت به کارفرمایان می‌شوند و با کسب این پیروزی، اعتصاب ۵ روزه کارگران کوره پزخانه‌های

وایگان با موفقیت به پایان میرسد و باعث موجی از شادی و غرور در بین تمامی کارگران و انعکاس وسیع آن در سطح منطقه می شود.

هیات اعزامی کمیته هماهنگی متأسفانه چند روز پس از پایان اعتصاب به آنجا رسید و طی نشستهای گوناگون و صمیمی با کارگران و نمایندگان آنها به دردهای آنان و مشکلات و معضلات شان گوش داده و همراه آنان راههای از بین بردن مشکلات و رسیدن به خواستههایشان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از معضلات عمده کارگران کوره پز خانه که شامل حال تمامی کارگرهای سراسر کشور می شود، فصلی بودن این کار و متفرق شدن آنها پس از پایان کار و قطع ارتباطشان تا سال آینده می باشد که تدابیری اندیشیده شد جهت تشکیل اتحادیه، انجمن، شورا و یا هر شکل دیگری که ارتباط مداوم کارگران را در فصل های غیر کاری با همد یگر زنده نگه دارد و هماهنگی های لازم بین آنان را برقرار نماید و حتی در مورد تثبیت دستمزدها و معضلات و مشکلات دیگر تصمیم گیری نمایند.

وتلاش برای احداث در راه اندازی ۲ واحد نانوايي با اخذ سهمیه آرد از ارگان مربوطه و رفع مشکل کمبود نان کارگران، اقدام در زمینه دیگر کمبودهای کاری کارگران.

هیات کمیته هماهنگی آن شب را تا ساعت ۲ بعد از نصف شب با نمایندگان کارگران به بحث و گفتگو پرداخت و روز بعد به منازل تعدادی از کارگران سر زدند و از مشکلات و معضلات معیشتی و کاری آنان جويا شدند و در پایان در فضا يی صمیمانه و كاملا دوستانه با امید به پیروزی کارگران و رسیدن به خواستههایشان جمع آنان را ترک کردند.

(جلیل)

شهریور ۱۳۸۷

**کارگران آگاه و مبارز!**

**با ارسال مقالات، گزارشات و افبار**

**کارگری نشریه جنبش کارگری را یاری**

**نمائید.**

[Komite.hamahangi@gmail.com](mailto:Komite.hamahangi@gmail.com)

**زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران**

## تشکل چیست و تشکل واقعی ما کارگران کدام است؟

طبقه کارگر، میلیونها انسانی را شامل می شود که مالک هیچ چیز جز نیروی کار خود نیستند، و برای تأمین معاش باید آنرا به صاحبان سرمایه به فروش برسانند. کارگران اما در چگونگی فروش و نرخ گذاری نیروی کارشان دخالتی ندارند و باید مزد را براساس آنچه که کارفرما تعیین می کند، دریافت کنند. بنابراین تعیین دستمزد ها یکی از کشمکش های مهم طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار است.

کارگران جهان در مبارزه خود بر سر دستمزد و دیگر مطالباتشان، به دستاوردهای مهمی رسیدند و توانسته اند بند هایی از خواسته های خود را به نظام سرمایه داری تحمیل کنند. این وضعیت حاصل مبارزات جمعی، تلاش ها و قربانی های فراوانی است که طبقه کارگر در تاریخ مبارزاتش تا به امروز به سرمایه داری تحمیل کرده است که اول ماه مه یکی از این دستاوردها می باشد.

کارگران! ما امروز در ایران با وضعیت فلاکت باری، از جمله عدم امنیت شغلی، دستمزد پایین و زیر خط فقر، کار قراردادی، اخراج، بیکاری و بی حقوقی های مضاعفی دست به گریبان هستیم. برای پایان دادن به چنین وضعیتی و خلاصی از فقر و گرسنگی، بناچار باید به فکر اتحاد و متشکل شدن باشیم. ابزار و مکانیسم این اتحاد و همبستگی، تشکل است و برای دستیابی به مطالبات خود باید برای ایجاد تشکل های واقعی، مستقل و طبقاتی تلاش کنیم.

این تشکلهای زمانی ایجاد می شوند که ما کارگران خود را دریابیم و به نیروی عظیم خود باور داشته باشیم.

نیرویی که در تمام سطوح زندگی امروزی نهفته است و هرآنچه که وجود دارد حاصل کار، و فکر و رنج و زحمت دستهای ما می باشد، اگر چه خود از آن بی بهره ایم. پس باید برای دفاع از زندگیمان اراده کنیم و در محلهای کار و زندگی خود بدون دخالت کارفرما و دولت و بدون اعمال نفوذ و تعیین صلاحیت از طرف اداره کار و نیروهای امنیتی، نمایندگان خود را در مجامع عمومی انتخاب کنیم و خواسته هایمان را در این مجامع برای نماینده های منتخب مشخص کرده و با حمایت خود، آنها را مجاب به پیگیری و اعلام نتیجه نماییم. چرا که تجربه گذشته به ما یاد داده است که کارفرما یان در بند و بست های پشت پرده، گاه نمایندگان کارگران را با ترفندهای مختلف، مثل تهدید و تطمیع و یا وعده های عوام فریبانه، از پیگیری مطالباتمان باز میدارند. ما کارگران در طول حیات نظام سرمایه داری از این بابت شکستها و ضربات سنگینی را متحمل شده ایم، که برای نمونه می توان به مواردی اشاره کرد.

نظام سرمایه داری و سرمایه داران با شایعه پراکنی در میان کارگران و تخریب شخصیت نمایندگان و دلسوزان کارگری و یا با اتکا به عوامل نفوذی خود در صفوف ما، سعی در به بیراهه کشیدن روند اعتراضات کارگری را دارند. با اجیر کردن و فریب دادن عوامل خود در قالب مخالفت با اشخاص و یا طرح مسائل جانبی، حرکت های کارگران را منحرف می کنند. حتی با استفاده از مشکلات مالی از خود ما کارگران، آشوبگر و اعتصاب شکن می سازند. این تجربیات و هزاران ترفند دیگر از مبارزات گذشته بر ایمان به جا مانده است. بنابراین کارگران تنها با اتحاد خود در تشکلهای مستقل و واقعی خود می توانند از حقوق پایمال شده خود دفاع کنند و دسیسه های گوناگون کارفرمایان را خنثی نموده و درمقابل آن ایستادگی کنند. چرا که ثابت شده حرکتها و اعتراضات فردی لا جرم منجر به شکست و اخراج این معترضین شده و یا دست آورد آنچنانی نداشته است. با توجه به این تجارب، نیاز فوری و عاجل ایجاد تشکل کارگری برای ما کارگران بیش از پیش ضروری به نظر میرسد. آنچه که در ایران به عنوان تشکل رسمی رواج داشته است یعنی شورای اسلامی و خانه کارگر (خانه کار فرما) می باشد که در قانون به نام تشکل کارگران نام برده شده است! ما کارگران تجربه چند دهه وجود شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را داریم. آندسته از کارگران که در کارخانجات دولتی کار کرده و یا مشغول به کارند، وجود این گونه تشکلات دست ساخته کارفرمایان را همراه عملکردشان بخوبی می شناسند. واقعیت این است دولت خود صاحب بخش عظیمی از کارخانجات تولیدی است و کارفرمای بزرگی محسوب می شود. با توجه به اینکه شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر چون تشکلات وزارت کار و دولت می باشند، هنگام انتخاب و تایید اشخاص، کسانی را تعیین صلاحیت میکنند که بتواند حافظ منافع دولت و کارفرمایان باشد. به همان شکلی که ما کارگران تلاش داریم نمایندگان را انتخاب کنیم که از منافع و حقوق ما کارگران دفاع کند. بنابراین دولت و کارفرمایان نیز چنین خواهند کرد. این یک کشمکش طبقاتی است و ما بخوبی می دانیم که با توجه به نفوذ مالی و سیطره قدرت دولتی و اعمال نفوذها، شورای اسلامی و خانه کارگر با تایید و نفوذ دولت و کارفرماها و بودجه آنها از طریق وزارت کار و دستگاههای امنیتی تشکیل می شوند و با تعیین حدود قانونی برای آنها، در اصل نماینده دولت و کارفرما به اسم کارگر هستند و نمی تواند نماینده کارگران باشند. کسانی انتخاب می شوند که از قانون و قاعده های مشخص شده پافرازان نگذارند و مورد تایید کارفرما و دولت باشند. فقط برای خالی نبودن

عریضه، به نام کارگر جهت حضور در مراسمها و مناسبت‌های مختلف از آنها استفاده می‌شود. حتی برای شرکت در چنین جاهایی، کسانی دعوت می‌شوند که مورد تایید بوده و یا مطمئن باشند که توانایی دفاع از حقوق خود و همکاران شان را ندارند. پس از توضیحات است که شورای اسلامی کار و خانه کارگر نه تنها نماینده ما کارگران نیست بلکه نماینده دولت و کارفرما می‌باشند و عملکرد چند دهه آنها و ضدیتشان با اعتراضات و اعتصابات کارگری مهر تایید بر این ادعا است. اگر احیاناً حرکت کوچکی هم به نفع کارگران انجام داده اند، به ناچار و تحت فشار کارگران و خارج از کنترل این تشکلهای دولتی بوده است.

ایجاد تشکل در میان کارگران از سابقه دیرینه ای برخوردار است و قدمت آن به درازای ایجاد و شکل گیری نظام سرمایه داری درجهان است. تشکل به خودی خود در انواع گوناگونش نمی‌تواند خوب و یا بد باشد، **این تشکل د هندگان و قدرت به میدان آمدن کارگران و پیگیری آنها است که ماهیت تشکلها را تعیین می‌کند.**

چرا که تشکل به عنوان ظرف و ابزار مبارزاتی و محل تجمع کارگران می‌تواند به شیوه و اشکال گوناگون اعتراضات کارگران را در راستای منافع خود هدایت و رهبری کرده و یا حتی در زمان و شرایط متفاوتی این اعتراضات را به بیراهه بکشاند. شرایط زمانی و مکانی و دایره نفوذ و قدرت سرمایه داری و کارفرمایان و دولتهایشان در به انحراف کشیدن این تشکلات ممکن می‌باشد. از برجسته ترین تشکلها می‌توان اتحادیه، سندیکا، شورا، کمیته، سازمان و یا حزب را نام برد، که عمدتاً همگام با رشد نظام سرمایه داری در غرب بوجود آمده اند و سیر تکاملی خود را طی کرده اند. اما به علت عدم حضور مستقل طبقه کارگر و تسلط تفکر غیر کارگری بر آنها، جدای از دست آوردهای مقطعی صنفی و بعضاً سیاسی، هنوز در هیچ جای دنیا نتوانسته اند به شیوه ای اساسی تغییری جدی در جهت منافع خود بوجود آورند.

در ایران نیز این تشکلها با سیر تکامل سرمایه داری، در میان طبقه کارگر شکل گرفت. اما به دلایل مختلف، از جمله رشد بورکراسی و دیوان سالاری بورژوازی، سرکوب و کشتار و عدم آگاهی لازم از دیر باز، این تشکلها ی تاکنونی در ایران و با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی، مورد بررسی قرار داد و کنکاش پیرامون آن در این نوشته نمی‌گنجد؛ اما لازم است به این نکته اشاره کرد که آنها حامل افکار و اندیشه هایی بودند که بیشتر در تشکلهای کشورهای صنعتی مسلط بود. در این باره توضیحات مختصری را لازم می‌دانم.

سند یکا که در میان یک صنف خاص تشکیل می‌شود، در شرایطی ظرف متحد شدن و پیشبرد مبارزات و اعتراضات کارگران بوده است. اما با گذشت زمان و سیطره سیاسی و ایدئولوژیک نظام سرمایه داری بر آنها، افکار سندیکالیستی به یک معضل برای جنبش طبقه کارگر تبدیل شده و حتی در برخی از کشورها، از هویت کارگری خارج و به صورت مخدوش، (کارگری - کارفرمایی) در آمدند. سندیکاها به جای ظرف رزمنده طبقاتی کارگران، امروزه به ابزاری برای مماشات و باز تولید حاکمیت سرمایه داری تبدیل شده است. عمده ترین علت این امر را باید در تسلط حاکمیت سرمایه داری و نفوذ اندیشه های آنان و عدم حضور فعالین و پیشروان کارگری و بعضاً عدم آگاهی طبقه کارگر دانست. نمود عینی و ملموس کارکرد این تشکلها، واگذاری سرنوشت کارگران به عده معدودی از نمایندگان است. بدون اینکه عملکرد آنها از طرف کارگران مورد پیگیری جدی قرار بگیرد، که این امر ناشی از نگرش طبقاتی و ایدئولوژیک سرمایه و نگاه آن از بالا به تشکل و قدرت است، که تاثیر خود را بر طبقه کارگر نیز گذاشته است.

اتحادیه ها نیز در کشورهای صنعتی و حتی توسعه نیافته برای کارگران ظرف متحد شدن و پشتوانه محکمی بودند و در شرایطی هدایت کننده حرکت های رادیکال اعتراضی و مبارزات جمعی کارگران به شمار می‌رفتند. اما به دلایل مختلف، تحت تاثیر فرهنگ حاکم بر جامعه که نشأت گرفته از حاکمیت سرمایه داری است، به اندیشه های رفرمیستی آلوده، و بخصوص در کشورهای صنعتی به اتحادیه های زرد تبدیل شده اند. در حال حاضر این اتحادیه ها، در درون طبقه کارگر، در حال مماشات با سرمایه داری هستند و رفرمیسم به عنوان نگرش حاکم بر این اتحادیه ها، از مشکلات در حال حاضر طبقه کارگر است.

آنچه که امروز برای ما روشن است گرایشات رفرمیستی و سندیکالیستی موجود درون طبقه کارگر در جهان، از بیماریهای فکری جنبش اجتماعی کارگران است. چرا که با آن همه توان و نیروی کمی و کیفی در طبقه کارگر، هنوز از چانه زنی بر سر مطالبات و مماشات با سرمایه داری پا فراتر نگذاشته و نمی‌تواند از چهار چوب سرمایه و مناسبات آن قدمی جلوتر برود.

البته این پروسه ناشی از تسلط اقتصادی و اجتماعی سرمایه بر جامعه و به تبع آن ظرفهای مبارزاتی کارگران است. به این معنا که ما را آموزش می‌دهند نماینده انتخاب کنیم و همه اختیارات را به او بسپاریم و پیگیر مطالباتمان نشویم. نتیجه این روند، به حاشیه رانده شدن کارگران و تصمیم گیری و حرکت از بالا است.

شوراهای کارگری به عنوان ظرف و ابزار سازماندهی، تشکلی دیگر در میان طبقه کارگر است که برای اعمال قدرت و اراده جمعی شکل گرفته و کارگران هنوز هم به آن امید دارند. ایجاد شوراهای کارگری از جمله مطالبات روزمره کارگران است. در میان تشکلهای موجود برای کارگران، شورا رزمنده ترین و کارآمدترین ابزار متحد شدن و سازماندهی می باشد، چرا که ما کارگران با اراده مستقیم خود در آن دخالت کرده و در تصمیم گیری آن ذینفع هستیم. اما نظام سرمایه داری با روش های متفاوت سعی در جلوگیری از ایجاد آنها نموده است. شوراهای کارگری بیشتر در شرایط اعتلای جنبش کارگری شکل گرفته و با افت حرکتیهای اعتراضی هم دچار ضعف و اضمحلال می شوند.

احزاب و سازمانهای کارگری نیز همگام با پیدایش ورشد سرمایه داری، تشکیل شده و اکنون نیز وجود دارند. آنها به عنوان نمایندگان طبقه کارگر در قدرت سیاسی و پارلمان هم سهم شده اند، اما به علت داشتن اندیشه های غیر کارگری و جدا شدن از منافع طبقه کارگر، به مماشات و همزیستی مسالمت آمیز با نظام سرمایه داری پرداختند و نتوانسته اند طبقه کارگر را به سوی تغییر نظام سرمایه داری و لغو استثمار انسان از انسان هدایت کنند. اکثر این احزاب فقط خود و افکار مطلق شان را می بینند و دچار سکتاریسم و فرقه گرایی شده اند و منافع خود را بر منافع جنبش طبقه کارگر ترجیح می دهند. چرا که خود را قیم کارگران می دانند و به نمایندگی و به جای آنها می خواهند تصمیم بگیرند! شکی نیست که طبقه کارگر به حزب و سازمان به عنوان ابزار و ظرف مبارزاتی و سازماندهی نیاز دارد، اما حزبی می تواند حزب کارگران باشد که خود در روند مبارزات کارگری شکل گرفته و متشکل از کارگران فعال، صاحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران بوده و در عمل و زندگی واقعی آنها جایگاه خود را بدست بیاورد و در ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک با کارگران و مبارزات آنان در محیط های کار و زیست شان باشد.

هر کدام از این تشکلهای، که مختصر به آنها اشاره شد در شرایط اجتماعی و تاریخی خاصی شکل گرفتند و پیامدهای مثبت و منفی را برای جنبش کارگری به همراه داشته اند که باید عوامل بوجود آمدن، انحراف و فروپاشی آنها را بررسی کرد و این تجربیات را امروز بکار برد. بی شک تاثیرات این تجربه تاریخی و آثار عملی و نظری آن در درون طبقه کارگر همچنان وجود دارد و در جای خود باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بنابراین ما کارگران باید به فکر چگونگی متحد شدن و مقابله با پراکندگی باشیم. نظام سرمایه داری در سراسر دنیا با برنامه های

جدیدی پای به میدان گذاشته و به نام جهانی شدن و خصوصی سازی، زندگی را بر کارگران و بشریت سخت تر کرده و دست آوردهای گذشته را بازپس می گیرد. وضعیت ما کارگران در ایران در واقع جدای از کل طبقه کارگر جهانی نیست، اما دارای موقعیتهای یکسانی هم نیستیم. ماکارگران ایران از هرگونه تشکل مستقلی محروم هستیم و امروز تجربه تجمع شدن در زیر لوای هیچ یک از این تشکلهای را نداریم و در پراکندگی کامل بسر می بریم.

آنچه که ما کارگران در ایران با آن دست به گریبانیم عدم امنیت شغلی، اخراجها، حقوقهای معوقه، دسمزد های پایین، اضافه کاری اجباری و نیروی عظیم بیکاران و ... است. این در حالی است که حرکتیهای انفرادی و حتی کارخانه ای بدون پشتیبانی مراکز کارگری دیگر، با بدست آوردن یک مطالبه و یا شکست قطعی ما کارگران خاتمه پیدا می کند. این دردها ما کارگران را تک تک تهدید می کند و باید به فکر راهکار و برون رفت از این وضعیت باشیم و ضرورت اتحاد و پشتیبانی از همدیگر و نیاز به تشکل را در میان ما صد چندان می کند. اینکه تشکل مورد نظر ما چه نوع تشکلی، چه نامی و چه ساختاری داشته باشد، البته مهم است؛ اما مهم تر از آن، این است که چه درک و بینش و گرایش کارگری و چه اهدافی در شکل گیری آنها نقش دارند و پاسخگوی کدام یک از نیازهای فعلی ما کارگران خواهد بود؟ به عبارت دیگر در این شرایط و با وجود تجربیات گذشته جنبش کارگری، چه راهکاری را باید پیش پای خود و کارگران قرار داد و از کجا باید شروع کرد؟

در خاتمه باید بگویم ما کارگران باید برای دفاع از زندگیمان، در جهت پیشبرد منافع طبقاتی پیش برویم و باید به فکر متحد و متشکل شدن باشیم. این کار را می توان در محلهای کار و زندگی شروع کرد و با ایجاد کمیته های کارگری، اعتراضات را حول مطالبات مان سازمان دهیم و برای همبستگی و پیوند اعتراضات به یکدیگر تلاش نموده و برای بوجود آوردن ظرف مناسب این اتحاد سراسری و طبقاتی بکوشیم. چرا که اتحاد و متشکل شدن تنها راه چاره ما کارگران است و باید گفت: کارگران! برای رهایی، باید متحد شد!

## وفا قادری



گفتگوی بهزاد سهرابی با صدیق سبحانی، یکی از کارگران نساجی کردستان، به بهانه اعتراضات اخیر کارگران آن مرکز

**سهرابی:** با عرض سلام خدمت شما، از اینکه این اجازه را به من دادی تا در مورد اعتراضات نساجی کردستان با شما مصاحبه ای داشته باشم، ممنون هستم. ابتدا از شما خواهش میکنم برای اینکه خوانندگان نشریه جنبش کارگری بیشتر با شما آشنا شوند خودتان را معرفی کرده و بفرمائید سابقه کار شما در نساجی کردستان چند سال می باشد؟

**سبحانی:** من هم خدمت شما بهزاد عزیز سلام و خسته نباشید میگم و همچنان از دست اندرکاران نشریه ی جنبش کارگری و کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، تشکر و قدردانی کرده و آرزوی موفقیت دارم. من صدیق سبحانی متولد ۱۳۴۴ در روستای سپیران که در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و سنتی به دنیا آمده و مانند دیگر کودکان کار، در سن ۷-۸ سالگی وارد بازار کار شدم. در سال ۱۳۵۷ برای ادامه ی تحصیل به شهر سنندج آمدم و بعد از تعطیلات مدارس برای اینکه بتوانم درس را ادامه دهم به شهرهای تهران، کرج، بندر عباس و اهواز می رفتم و کار می کردم. با این وجود به دلیل عدم پشتیبانی مالی ترک تحصیل کردم. علیرغم میل باطنی خودم به سربازی رفته واز ادامه تحصیل محروم شدم. بعد از خدمت سربازی دوباره در شهرهای تهران، کرج، آبیک و اهواز مشغول به کار کارگری (کارگر ساختمانی) شدم. در سال ۱۳۶۹ در کارخانه نساجی کردستان استخدام و اکنون مدت هیجده سال است که در این مرکز مشغول به کار هستم. و حدود ۳ سال است که عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری می باشم.

**سهرابی:** با تشکر از توضیحات شما. دوست عزیز، صدیق سبحانی، می خواهم کمی به گذشته برگردم یعنی به سال ۱۳۸۴ که کارگران نساجی کردستان برای دفاع از مطالبات کارگری خود دست به اعتصاب زدند که این اعتصاب در جنبش کارگری ایران نبرد ۵۷ روزه نام گرفت. در مورد چگونگی این اعتصاب و دلایل شروع آن برای خوانندگان ما توضیح دهید و در صورت امکان مطالباتی که در دستور کار قرار داده شده بود را بازگو نمانید.

**سبحانی:** بله در اینجا لازم است من هم به گذشته برگردم، در واقع اعتراضات کارگران به قبل از سال ۱۳۸۳ برمی گردد و کارگران سالن بافندگی بارها بعلت عدم بهداشت آبدارخانه، محیط کار و اخراج همکاران خود اعتراض کرده و موفق شده اند، اما در سال ۱۳۸۳ با نامه ای که از طرف آقای فروزنده مدیر کل

بنیاد جانپازان و مستضعفان برای تعطیل کردن سالن بافندگی آمده بود این سالن را تعطیل کردند. ناگفته نماند بعد از تعطیلی سالن بافندگی وی از سود دهی سالن بافندگی می گفت و عنوان می کرد سود کارخانه ناشی از تولید در قسمت بافندگی کارخانه بود. سالن بافندگی ۱۷۰ نفر کارگر رسمی و قراردادی داشت. کارفرما و اداره کار به تمامی کارگران رسمی و قراردادی اعلام کردند، اگر تا پایان ۳۱ شهریور ماه سال ۸۳ تسویه حساب نکنند، بعد از پایان قرار داد بیمه بیکاری به آنها تعلق نخواهد گرفت. به این وسیله توانستند کارگران قرار دادی را فریب دهند و به ازای هر سال، سه ماه و نیم حقوق و مزایا به آنها پرداخت و با آنان تسویه حساب کنند. کارگران رسمی سالن بافندگی به مدت ۳ ماه بی آنکه کاری انجام دهند هر روز به کارخانه مراجعه و همراه حقوق خود را با سایر کارگران دریافت می کردند. ( لازم به ذکر است که کارگران رسمی از کارگران قرار دادی پشتیبانی نکردند.)

از اینکه به آنها کاری محول نمی شد افسرده و بی حوصله شدند. در دوم مهر ماه ۸۳ در نمازخانه ی اداری کارخانه دست به اعتصاب غذا زدند، که که این اعتصاب غذا اول برای مدیریت بی اهمیت بود، تا اینکه کارگران سالن ریسندگی به پشتیبانی آنها، دست از کارکشیدند و بکلی تمام قسمتهای کارخانه تعطیل شد. طوری که تمام مسئولین استان و مدیریت کارخانه را وادار کردند به خواست کارگران اعتصابی تن دهند و وادار به مذاکره شوند. کارگران اعتصابی به ازای هر سال، ۸ ماه حقوق و مزایا را خواستار بودند. هیئت مدیره شرکت به ازای هر سال، ۶ ماه را قبول کرده بود و فردی به نام علی افشاری که قائم مقام بنیاد بود و حالا در صدای آمریکا به عنوان فعال حقوق بشر!! صحبت می کند، برای کارگران تیغ می کشید و آنها را تهدید میکرد و به ازای هر سال ۴/۵ ماه مزایا به کارگران دادند و به ازای هر سال ۱/۵ از کارگران غصب کردند و بخاطر این خوش خدمتی از هیئت مدیره پاداش خوبی گرفتند! حال برگردیم به سوال شما در مورد اعتصاب ۵۷ روزه که در کارخانه نساجی اتفاق افتاد. اعتصاب ۵۷ روزه در اصل در دوم مهر ماه ۸۴ شروع و در مورد وعده های بود که مدیریت می خواست آنطور که خود می خواهد به کارگران قراردادی تحمیل کند که کاملاً به ضرر کارگران قراردادی تمام می شد. بدین صورت که اگر کارفرما، هر وقت خواست، طبق بند ۷ قرارداد بتواند بدون هیچ قید و شرطی کارگر را اخراج کند و کارگران حق هیچ گونه اعتراضی را نداشته باشند. کارگران شیفت صبح بی آنکه به مفاد قرارداد توجه کنند آن را امضاء کردند. کارگران شیفت بعد از ظهر که متوجه شده بودند نه تنها آن را

امضاء نکردند بلکه قراردادهای را پاره کرده و بدور انداختند. همین باعث شد تا مدیریت کارخانه دستور اخراج آنها را صادر کند و از آمدن آنها بر سر کارهایشان جلوگیری شود. شورای اسلامی کارخانه دستور مدیریت را نادیده گرفت، و آنها را بر سر کارهایشان برگرداند. اما مدیر تولید آقای عزیزی به کارگران گفت هرچه زحمت بکشید و تولید کنید برای کارخانه بی اهمیت و ارزشی ندارد و اگر مشکلی پیش آید باید خودتان جواب گو خسارت احتمالی باشید. اعتصاب از شیفت بعد از ظهر شروع شد و روز بعد هر چهار گروه سه شیفت، دست از کار کشیدند و خواستار برگشت به کار همکارانشان شدند.

**سهرابی :** به نظر شما کارگران با این اعتصاب به خواست های خود رسیدند؟ یا اگر در کسب مطالبات خود موفق نبودند، دلیل عدم این موفقیت را چگونه ارزیابی میکنید ، توضیح دهید؟

**سبحانی :** لازم است عرض کنم اعتصاب ۵۷ روزه کارگران کارخانه نساجی در دوم مهرماه ۸۴ اتفاق افتاد و خواست و مطالبه کارگران بازگشت به کار همکارانشان بود که مدیریت در مقابل این خواست لجاجت نشان داد، و کارگران تصمیم گرفتند تا همکارانشان بر سر کار برنگردند، به اعتصاب خود ادامه دهند. همانطور که گفتم اعتصاب به طول انجامید و مدیریت برای به شکست کشیدن اعتصاب به هر کاری دست میزد. کارگران برای اینکه مدیریت نتواند اعتصاب را به شکست بکشاند، خواستار مجمع عمومی شدند و نمایندگان خود را (شورای اسلامی کار) وادار کردند تا مجمع عمومی تشکیل دهند و فقط مطالبات کارگران را دنبال کنند.

خواسته ها و مطالبات کارگران در مجمع عمومی اول: ۱- بازگشت به کار همکاران ۲- بستن قرارداد دسته جمعی ۳- تعطیلی کلیه قسمتهای کارخانه شامل کمپرسور، تاسیسات، هوای صنعتی، تهویه و برق بود. که این حرکت و تصمیم گیری کارگران، حرکتی بی نظیر بود و تمام کارگران کارخانه منجمله قسمت اداری و نگهبانی همه به آن پیوستند و تمام کارگران که ۴۵۰ نفر بودند، به جز ۶ نفر از آنها که با مدیریت همکاری میکردند و اعتصاب شکن بودند، بقیه کارگران در اعتصاب شرکت داشتند. در مجمع عمومی دو خواست دیگری مطرح شد: ۱- طرح طبقه بندی مشاغل ۲- مدیریت در هیچ شرایطی حق نداشته باشد کارگران را اخراج و بیکار کند. به خاطر مصمم بودن کارگران در ادامه اعتصاب مسئولین استان، در استانداری کردستان کمیسیون کارگری تشکیل دادند و در آن کمیسیون کارگری که نمایندگان کارگران نیز حضور داشتند، ۸ ماده به تصویب رسیده بود. که نمایندگان کارگران از امضای آن خود داری کرده بودند. نتیجه کمیسیون کارگری که همان ۸ ماده

بود را به میان کارگران آوردند و در نمازخانه اداره ، تک تک ماده ها برای کارگران خوانده شد و کارگران همه ماده ها را رد کردند، میرفت بین کارگران تفرقه ایجاد شود، برای جلوگیری از آن تفرقه ، کارگران از شورای اسلامی درخواست مجمع عمومی سوم برای روز بعد را کردند. تا در آن مجمع عمومی هرکس نظر خود را بدهد و تصمیم گیری شود. لازم به ذکر است در هر مجمع عمومی نمایندگان گزارشی را که داشتند ، ارائه میکردند و بعد از طرف کارگران هیئت رئیسه ای انتخاب می شد و نظرات و پیشنهادات را یادداشت می کردند و به رای گذاشته می شد. و بر همان اساس در دستور کار نمایندگان قرار می گرفت . همان طوری که عرض کردم مجمع عمومی سوم در نمازخانه اداره تشکیل شد و نظرات و پیشنهادات از طرف کارگران ارائه و خواسته های دیگری را به مطالباتشان اضافه کردند ، که مابه التفاوت طرح طبقه بندی مشاغل از سوی کارفرما پرداخت و حقوق و مزایای زمان اعتصاب، هر چند ماه که طول بکشد باید کارفرما آن را پرداخت کند. این مطالبات به اضافه مطالبات دیگر در دستور کار قرار داده شد، خبر دادند که از بنیاد جانبازان و مستضعفان از نمایندگان خواسته اند که به تهران بروند، نمایندگان به تهران رفتند و با آقای کیانی ملاقات کرده بودند، نام برده به آنها گفته بود به اعتصاب پایان دهید و من قول می دهم هر آنچه از دستم برآید دریغ نکنم. ! به گفته نمایندگان اشک تمساح ریخته بود. ملاقات با کیانی بین نمایندگان تفرقه انداخته بود وقتی همه برگشتند در میان کارگران تفرقه ایجاد شد. اما برای جلوگیری از این تفرقه قبلاً کمیته حمایت از اعتصاب تشکیل شده بود و کارگران چیزی از کمیته حمایت از اعتصاب نمی دانست و آنها را نمی شناختند. اما کمیته اعتصاب خیلی آگاهانه عمل میکرد و از شکست اعتصاب به خوبی جلوگیری کرد. کارگران از نمایندگان خود خواستار مجمع عمومی دیگری شدند، تا از آن تفرقه و دو دستگی جلوگیری کنند. مجمع عمومی چهارم تشکیل گردید. تصمیم نهایی کارگران این شد، تا به تمامی خواست ها و مطالبات خود نرسند ، اعتصاب را ادامه دهند! . و رای بر آن شد تا اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه انتقال دهند. تصمیم گرفته شد، که بعد از مجمع عمومی ، بیرون از کارخانه با راهپیمایی مسیر کارخانه تا شهر سنندج را طی کنند. این راهپیمایی شروع شد . ( حدود یک کیلومتر) در جلو کارخانه شاهو، تعداد زیادی از نیروی نظامی مسیر ما را سد کرده و از ادامه راهپیمایی جلوگیری کردند. اول آنها می خواستند برخورد فیزیکی کنند، اما چون دیدند با فشار و زور کارگران وادار به عقب نشینی خواهند شد ، و کارگران عزم را جزم کرده اند ، تا به

راهپیمایی خود تحت هر شرایطی ادامه دهند ، با زبانی آرام با کارگران وارد گفتگو شدند و کارگران از آنها قول گرفتند که به خواست و مطالبات آنها امروز باید رسیدگی شود، آنها قول دادند اگر به کارخانه برگردید فوری در کارخانه تشکیل جلسه داده و به مطالبات شما جواب خواهیم داد. در ساختمان اداری کمیسیون کارگری از طرف مسئولین استان با مدیر کارخانه و نمایندگان کارگران تشکیل شد. در آن کمیسیون ده ماده تصویب شده بود که با فشار و تهدید ، نماینده کارگران را وادار به پذیرش آن ده ماده کرده بودند. اما مدیر کارخانه از امضای آن خود داری کرده بود. کمیسیون کارگری که نتیجه اش ده ماده بود، در نمازخانه ساختمان اداری تک تک ماده های آن را برای کارگران خواندند . حدوداً چهل درصدی به خواست و مطالبات کارگران جواب داده شده بود و این باعث شد کارگران بر سر دو راهی قرار بگیرند ، از طرفی دیگر نیروی انتظامی و امنیتی بی اندازه به کارگران و نمایندگان فشار می آوردند که به سر کار برگردند، و دستگاه ها را استارت کنند. کارگران هم می گفتند هرگز اینکار را نخواهیم کرد باید مدیریت یا یکی از مسئولین استان دستگاه ها را استارت کرده و کتباً امنیت شغلی و مطالبات ما کارگران را تضمین کنند، تا ما بر سرکارهایمان بر گردیم . کسی حاضر نشد تضمین بدهد و اعتصاب ادامه پیدا کرد. کارگران برای برون رفت از این سر در گمی خواستار مجمع عمومی فوق العاده شدند و طی اعلامیه ای از تمام کارگران خواسته شد تا در آن مجمع عمومی شرکت و تصمیم گیری نهایی گرفته شود. روز بعد مجمع عمومی تشکیل شد و کارگران هر کدام پیشنهادات و نظرات خود را گفتند و به رأی گذاشته شد و موارد ذیل به تصویب رسید. کارگران تأکید کردن :

۱. تا به تمام مطالبات خود نرسند، باید اعتصاب با فشار بیشتری ادامه داشته باشد.
۲. خود مدیر عامل در کمیسیون کارگری استان حاضر و متعهد به اجرای خواست و مطالبات کارگران شود.
۳. تا رسیدن به مطالبات خود ، اعتراضات را بیرون از کارخانه ادامه دهند.
۴. شماره حسابی برای درخواست کمک مالی اعلام شود.
۵. صندوق کمک مالی در روز جمعه به مسجده جامع، فرجه و بهاران برده و مسئول هر صندوق تعیین شود.
۶. بعد از مجمع عمومی اعتراض خود در داخل شهر ادامه دهند.

به محض تمام شدن مجمع عمومی و حرکت کارگران به بیرون از کارخانه ، متوجه شدند که نیروی انتظامی نه تنها دور تا دور

کارخانه را گرفته بلکه جاده کمربندی همدان ، کرمانشاه ، توسط پلیس محاصره و از بیرون رفتن کارگران جلوگیری می کردند. طوری که همیشه نیروهای انتظامی در آماده باش کامل بسر می بردند و از صندوق هائی که قرار شد به مسجد جامع برده شود جلوگیری به عمل آمد و قول مساعد دادند بطور حتم مدیریت را وادار خواهند کرد به خواست و مطالبات کارگران گردن نهد، چرا که حق با کارگران است. به علت پافشاری و مصمم بودن کارگران کمیسیون کارگری در ساختمان اداری تشکیل شد و نتیجه ی کمیسیون کارگری این بار، تا ۸۰ درصد به نفع کارگران تمام شد و مدیر عامل شرکت را به زور وادار کردند باید به مطالبات کارگران گردن نهد و متعهد شود. کارگران به مطالباتی که مطرح کرده بودند دست یافتند. اما مدیریت خیلی زیرکانه از راهی دیگر وارد شد و تمام دست آوردهائی را که کارگران بدست آورده بودند را از آنها گرفت . علت آن خامی ، عدم تجربه و عدم آگاهی بود.

**سهرابی :** آیا شما در طول این ۵۷ روز فقط در محیط کارخانه اعتراض خود را ادامه دادید؟ توضیح دهید نقش خانواده های شما در این اعتصاب چگونه بوده؟

**سبحانی :** خیر، قبلاً هم گفتیم در طول آن ۵۷ روز دو بار از کارخانه خارج شدیم و هر بار نیروهای انتظامی ما را متقاعد می کردند ، و دوباره به کارخانه بر می گشتیم. البته نه با زور، چون آنها می دانستند اگر ما را هم می کشتند بر نمی گشتیم، اما چون آنها از طرف مسئولین استان به ما قول می دادند و به قولشان عمل می کردند ما هم به داخل کارخانه مراجعه می کردیم . در مورد خانواده هایمان که در قسمت دوم سوال شما آمده ، باید بگویم خانواده هایمان خواهان این بودند که در اعتصاب و اعتراض ما شرکت کنند و آمادگی لازم را داشتند، اما فشار ما کارگران به مسئولین و مدیریت طوری بود لازم نمی کرد آنها را در اعتراضات و اعتصابات درگیر کنیم .

**سهرابی :** آیا در حین اعتصاب کارگران نساجی کردستان ، دیگر مراکز کارگری از شما حمایت کردند؟ در صورت مثبت بودن جواب ، این حمایت ها چگونه صورت گرفته ، توضیح دهید.

سبحانی در طول اعتصاب کارگران نساجی کردستان ، شفاهاً می گفتند از طرف تشکلات کارگری داخل و خارج مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته ایم اما در حقیقت نمیدانم تا چه حد صحت داشت.

سهرابی. دلیل اینکه شما این اعتصاب را به بیرون از کارخانه هدایت نکردید چه بود؟ آیا مواععی خاصی وجود داشت؟

**سبحانی :** نه اینکه کارگران نمی خواستند ، این اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود، اما برای هر حرکتی ، یک راه کار درست را باید انتخاب کرد. باید برنامه ریزی درست و دقیقی داشته باشید . باید فکر کرد و پیش بینی های لازم را کرده باشی و اگر خواستید اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود، باید موانع را شناخت و چگونگی حل این موانع را دانست ، تا موجب سرخوردگی و شکست نشود. ما کارگران نه ماجرا جو هستیم و نه دنبال قهرمان می گردیم . به عنوان یک کارگر و یک شهروند حق کار ، زندگی و خواهان یک زندگی مناسب و شرافت مندانه را داریم . ما ثابت کردیم مطالبات ما کارگران عینی است. چرا که تمام مسئولین استان این حق را به ما دادند و وقتی خواستیم اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه ببریم هیچگونه درگیری پیش نیامد. این محصول یک برنامه ریزی درست و قابل قبول بود. در آن اعتصاب و اعتراضات ۵۷ روزه که از دوم مهر ماه تا ۲۸ آبان ماه ادامه داشت، ۴ مجمع عمومی و یک مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داده شد.

**سهرابی :** با تشکر از توضیحات شما، اگر اجازه دهید می خواهم در مورد اعتراضات جدید شما وارد بحث شوم. ابتدا توضیح دهید اعتراضات اخیر بر چه اساسی شروع شده و ادامه این اعتراضات ، آیا بنظر شما در راستای همان مطالبات کارگران و بی حقوقی- های تحمیلی کارفرما که باعث اعتصاب ۵۷ روز شده بود نیست؟ و شروع اعتراضات جدید که تا به امروز ادامه دارد از چه تاریخی آغاز شده است؟

**سبحانی :** بله . تا زمانی که سرمایه داری وجود داشته باشد، بنا به خصلت بورژوازی در اعمال بی حقوقی ها ، اعتراضات کارگری هم وجود خواهد داشت . و اعتراضات اخیر کارخانه نساجی کردستان در همان راستای بی حقوقی هائی بود که کارفرما ، هر روز به بهانه های مختلف به خواست و مطالبات کارگران حمله می کرد. و کار و زندگی را بر این قشر زحمت کش تنگ و تنگ تر کرده بود. اعتراضات کارگران بر می گردد به سال ۱۳۸۰ تا به امروز. در سال ۱۳۸۴ شدت بیشتری یافت و امسال ۱۳۸۷ کارفرمای شرکت با انحلال کارخانه می رود نه تنها کار را از کارگران بگیرد بلکه با این کار، می خواهند همان سفره ی خالی و بی رونق را از کارگران بد زدند! فقر و گرسنگی زائده سیستماتیک نظامهای سرمایه داری است . در واقع نساجی کردستان را می خواستند در سال ۱۳۸۴ به کلی تعطیل کنند ، ولی بخاطر مقاومتی که کارگران از خود نشان دادند نتوانستند به آن اهداف شوم خود برسند. در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ تعداد ۲۲ نفر از کارگران

قراردادی را اخراج کردند. آنها خیلی مقاومت کردند تا بسر کارهایشان برگردند . اما متأسفانه بدلیل عدم پشتیبانی از طرف همکاران ، کارفرما خیلی ساده موفق شد و توانست آنها را وادار به تسویه حساب کند. عدم پشتیبانی کارگران از همکاران اخراجی بنفع کارفرما تمام شد و ذهنیت کارفرما ، برای آخرین حمله به کارگران را آماده کرد. و اول سال ۱۳۸۷ به بهانه های مختلف که کارخانه ضرر می دهد، بدهکار بانکها و ادارات است ، توانایی دادن حقوق کارگران را ندارد و امسال بنیاد ۳۰۰ میلیون تومان کمک کرده و دیگر کمک نمی کند، و گره مشکلات ما را اداره دارایی می تواند باز کند وگرنه کارخانه نمی تواند ادامه حیات بدهد ... و از این قبیل بحث ها ، و نهایتاً صدور بخشنامه ای مبنی بر تسویه حساب با کارگران !! به این ترتیب حقوق خرداد را پرداخت نکردند و مواد اولیه به بهانه ی اینکه نقدینگی نداریم خریداری نشد . کارگران در یافتند که کارفرما می خواهد کارخانه را تعطیل و همه کارگران را بیکار کند. اعتراضات کارگران از اول مراد ماه ۱۳۸۷ آغاز شده است.

**سهرابی :** ممنون از شما صدیق سبحانی . در راستای دستیابی به مطالبات خودبه کدام ارگانها مراجعه و مسئولین مربوطه درقبال خواست و مطالبات شما تا کنون چه اقدامی را انجام داده اند؟

**سبحانی :** بهانه ی مدیریت کارخانه بدهی به دارائی بود و مرتب تکرار می کردند که فقط دارایی می تواند این گره را باز کند و از تعطیلی کارخانه جلوگیری و ادامه کار داشته باشد. کارگران در نیمه اول مرداده ماه ۸۷ طی فراخوانی خواستار مجمع عمومی و تعیین نمایندگان جهت حل و فصل بحران بوجود آمده شدند. مجمع عمومی تشکیل شد و کارگران پنج نفر را به عنوان نماینده و دو نفر علی البدل را انتخاب کردند. نمایندگان مکاتباتی با ارگان های ذیل را داشته اند.

دارایی - سازمان کار و امور اجتماعی - حراست سازمان کار و امور اجتماعی - سازمان صنایع - فرمانداری - استانداری کردستان - نمایندگان مجلس - ریاست جمهوری - معاون حقوقی ریاست جمهوری و درکل مسئولان کشوری از هر طریق ، اینترنت و مطبوعات . جانی نمانده است که با آنها مکاتبه نکرده باشیم . مسئولین استان کردستان هم ظاهرآ مخالف تعطیلی نساجی کردستان هستند. و در این بابت هرآنچه از دست شان برآمده دریغ نکرده اند و حتی حاضر شده اند برای ادامه کاری کارخانه و جلوگیری از تعطیلی شرکت نزدیک به ۸ میلیارد تومان با نظارت استانداری کردستان در اختیار مدیریت شرکت قرار دهند. اما مدیریت از نظارت استانداری ابراز نگرانی کرده است. مسئولین استان

کردستان خصوصاً استانداری با سهامدار کارخانه نساجی کردستان آقای جدید ساز و رئیس کل بنیاد مستضعفان و جانبازان آقای فروزنده گفتگو و صحبت کرده اند و حتی از آنها خواسته است، که شرکت را تعطیل نکنند. اما تا بحال هرچه تلاش شده است بی نتیجه مانده و بهانه‌ی مدیریت نساجی کردستان واهی و دروغ محض است. این بهانه‌ی بدهکاری و غیره فقط هدف تعطیل کردن نساجی کردستان و جمع آوری سرمایه و اخراج و بیکاری کارگران است. تلاش مسئولین استان در مورد دست‌یابی مطالبات ماکارگران که شامل، استمرار و ادامه کار، درکارخانه و پرداخت حقوق معوقه بود، تا کنون بی نتیجه مانده است.

**سهرابی:** به نظر شما موانع اصلی کارگران، درجهت دستیابی به مطالبات خود، با توجه به اعتراضاتی که صورت می‌گیرد و گاهی نا موفق می‌باشد چیست؟ و چاره آن را در چه چیز می‌بینید؟

**سبحانی:** به نظر من عدم موفقیت کارگران در دست‌یابی به مطالبات حقه خود ضعف مالی است. سیستم سرمایه‌داری آگاهانه طبقه‌ی کارگر و زحمتکش را گرسنه نگه می‌دارد، تا مجال فکر کردن و تصمیم‌گیری نداشته باشد و نتواند بیش از اندازه مقاومت کند. اگر هم کارگری معتقد به دورنمای مبارزه طبقاتی باشد، به خاطر مشکل مالی که نان آور چند نفرمی‌باشد و همچنان با تورم افسار گسیخته‌ای که در جامعه موجود است کمرش خرد میشود و این عوامل باعث میشود تا اعتراضات کارگران برای خواست و مطالبات برحق خود ناموفق باشد، چاره ما کارگران و طبقه زحمت کش تنها در اتحاد، همبستگی و تلاش برای ایجاد تشکل‌های کارگری و تعیین نمایندگان منتخب خود می‌باشد. ما کارگران برای اینکه از این وضعیت اسف‌بار خلاص شویم در محیط‌های کارگری باید برای ایجاد تشکل مستقل کارگری تلاش کنیم.

**سهرابی:** من یک خبر خوشحال کننده در رابطه با برگزاری مجمع عمومی مشترک کارگران چند کارخانه در سنندج را شنیدم و بی شک، این می‌تواند نقطه عطفی برای تشکل‌یابی کارگران باشد و گویا کارگران نساجی کردستان هم در آن مجمع عمومی حضور داشته و در رابطه با مشکلات کارگری خود و همچنین حمایت از دیگر مراکز کارگری و بطور مشخص در رابطه با لاستیک سازی البرز و نیشکر هفت تپه، تصمیماتی را اتخاذ نموده‌اند، لطفاً تاریخ برگزاری و مباحثی که در آن مجمع عمومی مطرح شده را در صورت امکان برای خوانندگان ما بیان کنید.

**سبحانی:** همانطور که شما گفتید ما کارگران تنها با اتحاد و همبستگی می‌توانیم از حق و حقوق خود دفاع کنیم و نگذاریم صاحبان سرمایه به ما تعرض کنند. اما درمورد مجمع عمومی

مشترک کارگران در سنندج که شما به آن اشاره داشتی ما در چنین مجمعی شرکت نکرده ایم یا بهتر بگویم همچین چیزی وجود نداشته تا شرکت داشته باشیم!! چرا که نه ما کارگران نساجی از آن اطلاع داریم و نه نمایندگان ما! اگر کسی چنین چیزی گفته جای تعجب دارد و باید بررسی شود.

**سهرابی:** عجب!!! ممنون. سوال آخر اینکه، آیا مبارزه کارگران تنها باید در راستای مطالبه حقوق و امنیت شغلی و... باشد، بنظر شما کارگران برای رهائی از تمامی مشقات و نا برابری‌های موجود که زانده سیستم سرمایه‌داری است، باید چه تدابیری را در دستور کار خود داشته باشند؟

**سبحانی:** لازم است به گذشته برگردیم و آن اینکه در طی مبارزات طبقاتی کارگران و جان‌فشانی‌هایی که شده بود، بورژوازی و سیستم سرمایه‌داری در مقابل پیشروی جنبش طبقه کارگر، مجبور و حاضر شد امتیازاتی از قبیل ۸ ساعت کار در روز، بیمه تامین اجتماعی، بیمه بیکاری و بازنشستگی، را بپذیرد، یا بهتر بگویم، درواقع به بورژوازی و سرمایه‌داری تحمیل شد. امروز سرمایه‌دار و بورژواها میخواهند آنها را از کارگران بگیرند و مانند نوعی کالا از کارگر استفاده کنند. حقیقتاً به این فکر افتاده‌اند تا نه تنها کارگران امنیت شغلی نداشته باشند بلکه سفره بی‌رونقی را هم که دارند از طبقه کارگر بگیرند تا هرچه بیشتر بتوانند طبقه کارگر و زحمت‌کش را استثمار و سود بیشتری به سرمایه‌هایشان اضافه کنند.

به سوال شما برمی‌گردم، که مبارزه و اعتراضات کارگران در راستای هجوم سرمایه‌داری به دست آوردهایی است که کارگران طی پروسه‌ای از مبارزه به سرمایه‌داران تحمیل کرده بودند. بی‌حقوقی، نا امنی شغلی، تعرض به سفره خالی کارگران همیشه زانده سیستم سرمایه‌داری بوده و هست و صرفاً طبقه کارگر در همین راستا، طلب حقوق معوقه و امنیت شغلی دست به اعتراضات و اعتصاب می‌زنند. طبقه کارگر برای اینکه بتواند از این نابرابری و بی‌حقوقی و مشقات روزمره‌ای، که سرمایه‌داران به کارگران تحمیل کرده‌اند، و هر روز به فشار خود می‌افزایند، رها یا بند، باید همان‌طور که قبلاً عرض کردم، با اتحاد و همبستگی، تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری را در دستور کار خود گذاشته و برای برون رفت از این وضعیت اسف‌بار که سرمایه‌داری به وجود آورده است، طبیعتاً تنها راه چاره، اتحاد و همبستگی در راستای مبارزه با نظام سرمایه‌داری می‌باشد.

**سهرابی:** با تشکر از شما دوست عزیز صدیق سبحانی. از اینکه تجاربی از روند اعتصاب و اعتراضات کارگران نساجی

کردستان را برای ما و دیگر کارگران بیان کردی بی شائبه سپاسگزارم. ما بر این عقیده هستیم که انتقال تجارب و چگونگی روند اعتراضات کارگری می تواند برای آینده ، چراغ راه و آئینه ای تمام نما باشد که کارگران بتوانند از این تجارب به نفع خود در اعتراضات بعدی سود جسته و از آن برای ادامه این کشمکش طبقاتی استفاده کنند. در آخر برای شما و تمامی کارگران آرزوی پیروزی و موفقیت را دارم، زندگی پر از رفاه و آزادی ، بدور از استثمار، تحقیر و تبعیض شایسته

ماست و این ممکن نمیشود مگر با همت و اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران . به امید آن روز.

**سبحانی :** من هم از شما کمال تشکر را دارم . به امید پیروزی طبقه کارگر . موفق باشید.

شهریور ۱۳۸۷



**گفت و گو با محمود صالحی حول برخی موانع و معضلات کنونی تشکل یابی کارگران**

**بهروز خباز**

**س:** آقای صالحی شما سال ها عضو هیئت مدیره ی انجمن صنفی خبازان سقز بوده اید، لطفاً در مورد این که چطور شد انجمن صنفی را به عنوان تشکل خویش برگزیدید توضیح دهید؟

**ج:** اولاً انجمن صنفی خبازان نیست. انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه می باشد. دوماً من خودم کارگر خباز می باشم و از ۶ سالگی در این شغل مشغول به کار هستم. کارگران خباز در زمان رژیم شاه سندیکا داشتند . ولی به دلایل های خاصی که من اطلاعی از آن ندارم ، سندیکا بسته شد و رهبران آن را به زندان فرستادند. با اوج گیری مبارزات مردم ایران در برابر رژیم شاه، کارگران خباز سقز هم سریع و بدون فوت وقت به این مبارزه پیوستند. دومین کسی که در جریان حمله به شهربانی سقز در غروب ۲۲ بهمن زخمی شد، کارگر خباز بود. به دنبال آن کارگران خباز در یک شب سندیکای خود را تشکیل و قسمتی از ساختمان ساواک شهر سقز را به کنترل خود درآوردند. من هم مثل ده ها کارگر خباز هر چند که در آن زمان نوجوانی بیش نبودم، اما در تشکیل سندیکا نقش داشتم. بعد از تصرف کردستان توسط دولت، فعالان سندیکا به ناچار شهر سقز را ترک و به دیگر شهرهای ایران رفتند که من خودم یکی از آنان بودم. به این دلیل که کسانی از کارفرمایان از ما به عنوان کمونیست و ضد انقلاب نزد سپاه پاسداران شکایت می کردند. ما ناچاراً شهر را ترک کردیم و عملاً سندیکا از بین رفت. با این پیشینه، کارگران نسل جدید و آگاه پا به عرصه ی مبارزه گذاشتند . بعد از تصرف سقز آنان در فکر تشکیل سندیکای خود بودند. این کارگران در سال ۱۳۷۳ موفق شدند مجوز تشکیل انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه را بگیرند که من هم بعد از این که اطلاعیه ی مجمع عمومی را پخش کردند، در مجمع شرکت کردم. در مجمع عمومی کارگران به رئیس اداره ی کار وقت گفتند که باید محمود صالحی در بین کاندیداها باشد، در غیر این صورت ما در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. من که چند سالی بود به سقز برگشته بودم و کسی از کارگران را نمی شناختم در آن زمان درخواست کارگران را قبول کردم و در آن انتخابات شرکت کردم که در نتیجه کارگران به من رأی دادند و بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی ها سقز و حومه شدم.(چند سال بعد دبیر و عضو هیئت مدیره شدم).

**س:** آیا در حال حاضر شما عضو این انجمن هستید؟

**ج:** بلی من عضو این انجمن هستم و در حال حاضر هیچ گونه مسئولیتی ندارم. به این دلیل که در سال ۱۳۷۷ به دستور مسئولان وقت اداره ی اطلاعات سقز من را از کار اخراج و به کلیه ی

**قرار داد موقت، این ابزار سرمایه ملغی باید گردد**

کارفرمایان گفتند که به من کار ندهند. برابر قانون کار هم کسی که خود در آن صنف مشغول نباشد نمی تواند نماینده ی کارگران همان صنف باشد. (هر چند حتی اگر هم مشغول به کار هم باشیم، از طرف مسئولان تأیید نمی شویم). ما از آن زمان به بعد کمیته ی دفاع از کارگران اخراجی و بیکار را تشکیل دادیم تا محدوده ی فعالیت خود را وسیع تر و مسائل حقوقی کارگران را پیگیری کنیم که خوشبختانه توانستیم ۹۵ درصد پرونده ی کارگران را در هیئت های تشخیص و حل اختلاف شهرهای ایران از جمله مهاباد، سنندج، بانه، بوکان، بیجار، میاندوآب و سقز را این کمیته بدون هیچ هزینه ای بر عهده بگیریم. (اخیراً این کمیته نام خود را به "انجمن دفاع از کارگران اخراجی" تغییر داده است) حوزه ی فعالیت این انجمن نامحدود است و با درخواست کارگران اخراجی اعضای این انجمن می توانند در ادارات کار و امور اجتماعی کارگران را نمایندگی نمایند.

### س: موانع حقوقی انجمن های صنفی در ارتباط با دستیابی کارگران به مطالبات خویش چیست؟

ج: ببین انجمن صنفی برای کارگاه هایی است که پراکنده و زیر ۱۰ نفر نیرو دارند. اگر به خباز، کفاش، سوپرمارکت، چلوکبابی، ساندویچی، کبابی و نجار توجه کنید این صنف ها هر کدام در خیابان یا محله ای هستند و زیر یک سقف کار نمی کنند، به همین دلیل کارفرما می تواند ماده ۱۴۹ قانون کار را رعایت نکند. اما برای کارخانه ها و شرکت های بزرگ دیگر انجمن صنفی چرا؟ اگر کارگران در کارخانه ها و شرکت های بزرگ انجمن صنفی را تشکیل دهند عملاً کارفرمایان را از اجرای ماده ی ۱۴۹ قانون کار معاف کرده اند. ما نباید این حداقل های قانون کار را از دست دهیم، در قانون کار سه نوع تشکل آزاد است: ۱- شورای اسلامی کار، که شامل کلیه ی پرسنل آن کارخانه یا شرکت می باشد. ۲- انجمن صنفی، که مربوط به یک صنف خاص است. ۳- نماینده ی کارگران، که کارگران می توانند در هر شرایطی که خود اراده کنند آن نمایندگان را انتخاب کنند. تشکیل انجمن صنفی هم برابر قانون کار بلامانع است. اما در زمان تشکیل انجمن اداره ی کار خود را قیم آن می داند. ولی با گذشت زمان کوتاهی نماینده ی کارگر متوجه می شود که اداره ی کار نه این که نمی تواند برای آنان کاری انجام دهد، بلکه سد راه مبارزه ی کارگران می باشد. این مسئولان اداره ی کار هستند که مانع رسیدن کارگران به مطالبات خویش می باشند. هر کاندیدا باید چند ماه قبل از انتخابات پرونده تشکیل دهد و به اداره ی کل حراست بفرستد، این پرونده حاوی کلیه ی اطلاعات در ارتباط با فردی است که خود را برای نمایندگی کارگران کاندید

کرده است. شخص کاندیداتور الزاماً می بایست از طرف حراست مورد تأیید قرار گیرد. طبیعی است که هیچ گاه کارگران آگاه به مسائل طبقاتی مورد تأیید قرار نمی گیرند. (نمونه زیاد است) اگر یکی یکی به موانع اشاره کنیم در این مصاحبه کوتاه نمی گنجد. تنها می توانم بگویم که ۵۰ درصد از نمایندگانی که در این انجمن های صنفی فعالیت می کنند آدم های خوب و شریفی هستند و برای رسیدن کارگران به مطالبات شان خیلی فعال می باشند. اما با توجه به این که، به آنان تفهیم کرده اند که شما صنف هستید، بنابراین فعالین این نوع تشکل ها نیز از خط قرمز ها عبور نمی کنند. مسئله ی اصلی این جاست، نماینده ی کارگران در انجمن ها و تشکل هایی که مجوز فعالیت دارند، تنها مجبورند طبق همین قانون کار فعالیت کنند که در آن اعتصاب و کنترل کارگری قانونی نیست !! بنابراین کارگری که ۲۰ ماه حقوق دریافت نکرده است بدون اینکه کسی به فکرایشان باشد باید به کدام مرجعی مراجعه کند؟ طبیعی است باید به اداره کار و هیئت های تشخیص و حل اختلاف محل کار. این جاست که کارگران متوجه می شود که موانع رسیدن به مطالبات شان مسئولان و قانون کار فعلی است. متوجه می شوند که حتی همان قانون کار فعلی هم اجرا نمی شود. صدها کارگر با دست داشتن ارای صادره از طرف ادارات کار در راه روهای دادگاه ها سرگردان و هر روز ناامیدانه به منزل بر می گردند. همگی ما اطلاع داریم که در سال ۱۳۸۵ چطور کارفرمایان در برابر بخشنامه شورای عالی کار که در آن دو نوع دستمزد تصویب شده بود در یک اعتراض کوتاه مدت آن را تغییر دادند. در این جریان نه کسی دستگیر شد و نه کسی مورد تعقیب قرار گرفت. !! اما اگر ما کارگران برای حقوق های معوقه خود و تشکیل تشکل های کارگری اقدامی کنیم. بلافاصله بازداشت، زندان، تعقیب، تهدید و اخراج می شویم. در بعضی جاها نماینده ی کارگران را که در انجمن های صنفی فعالیت می کنند و مجوز فعالیت هم دارند، بازداشت و به آنان حکم داده اند. به این دلیل که از خواست و مطالبات کارگران پیگیرانه دفاع کرده اند. پس با این حساب به این نتیجه می رسیم، که مسئولان در ادارات کار با اتکاء به آئین نامه های داخلی که کسی از آن خبر ندارند مانع بزرگی در راه رسیدن طبقه کارگر به مطالبات شان هستند.

### س: ویژگی های انجمن صنفی با تشکل هایی مانند شورای مستقل کارگری و یا سندیکا چیست؟ آیا می توان از انجمن صنفی به عنوان تشکل مستقل کارگری نام برد؟

ج: البته انجمن صنفی در کلیت خودش همان سندیکای قبلی است. اما شورای کارگری به تشکلی می گویند که کارگران هم قانون

گذار باشند و هم مجری قانون. به هر حال ما نباید برای تشکلی که تشکیل نشده نسخه پیچی کنیم. هر تشکلی که تشکیل می‌گردد آن را باید با جهت‌گیری هایش رادیکال و کارگری دانست. نه این که قبل از تأسیس آن را ضد کارگری و یا... بدانیم. مبارزه‌ی طبقاتی با شعار دادن به پیش نخواهد رفت. بلکه باید تئوری و پراتیک را با هم ادغام کرد. ما باید فرهنگ تشکل‌یابی را ترویج کنیم. نباید از این بترسیم که فردا چه خواهد شد؟ ما وظیفه داریم که گرایش‌های طبقاتی را در بین کارگران تبلیغ کنیم. این امر برای فعالان کارگری تعطیل‌ناپذیر است.

در این سال‌ها تعدادی تشکل ایجاد شده‌اند، عده‌ای دُگم به این چسبیده‌اند که تشکل ما صنفی است، اما به نظر من این توهم به نظام سرمایه‌داری است. صنف به این معناست که من در صنف خباز کار می‌کنم نه این که خواسته‌ی من گرفتن چند حلب روغن یا چند کیلو برنج باشد. هر تشکلی که صرفاً مسائل این‌چنینی را در دستور کار خود قرار دهد، نمی‌تواند تشکل کارگری باشد، حالا این تشکل هر نامی را که می‌خواهد داشته باشد. اما کلمه‌ی مستقل بودن که مثل نُقل نبات بر سر زبان‌هاست، واقعاً چه مفهومی دارد؟ که هر زمان فعالان کارگری بخواهند خود را از تشکل‌های موجود جدا کنند، کلمه‌ی مستقل را بر زبان می‌آورند. تشکل‌های تشکیل شده تنها زمانی می‌توانند واقعاً طبقاتی و نماینده کارگران باشند که در عرضه عمل آن را به اثبات برسانند. "فرست طلب‌ها مثل ماهی لیس هستند که هر زمان بخواهید آن را بگیرید فرار می‌کند، باید آن را در عرضه عمل گرفت." من خودم به تشکلی اعتقاد دارم که منتخب خود کارگران باشد.

**س: از نظر شما دستیابی کارگران به تشکل مستقل خود از چه طریقی امکان‌پذیر است؟**

**ج:** از هیچ طریقی به جز اراده‌ی کارگران و با حضور گرایش‌های رادیکال کارگری، امکان‌پذیر نیست. کارگران نباید از چیزی هراس داشته باشند. داشتن تشکل حق ماست. ما نباید یک لحظه هم در ایجاد تشکل‌های خود تعلل کنیم. این که چه نوع تشکلی است و یا در آینده چه خواهد بود، زمان به آن جواب خواهد داد.

**س: در حال حاضر کارگران هفت تپه در مسیر تشکیل سندیکای خود هستند، شما با شناختی که از مبارزات کارگران و وضعیت شرکت کشت و صنعت هفت تپه دارید، نقاط مثبت و منفی این مبارزات و چشم‌انداز آن را چگونه می‌بینید؟**

**ج:** توجه داشته باشید، کسی که خود وارد میدان عمل نشود، خیلی حرف‌های جالب و دوست‌داشتنی می‌زند، کسی که اعتصاب غذا نکند، نمی‌داند فرد اعتصابی در آرزوی چه چیزی سر به بالین می‌

گذارد. اما اگر کسی وارد این میدان شد می‌داند چه کار باید بکند. کارگران هفت تپه خود باید تصمیم‌گیری کنند و کسی حق ندارد برای آنان تعیین تکلیف کند. این خود کارگران هستند که در عمل هزینه دادند هر چند ما به عنوان یک هم‌طبقه‌ای همیشه به فکر آنان هستیم و من به این اعتقاد دارم که این هم‌طبقه‌ای‌ها یک روز نیرو خواهند گرفت و تمام دنیای سرمایه‌داری را...

کارگران هفت تپه در عمل اثبات کرده‌اند که به حق مبارزاتی را شروع کردند که افق روشنی در انتظارشان است و من هم به این مبارزه خوش بین هستم و جنبش کارگری ایران باید به آنان افتخار کند. من تنها می‌توانم بگویم که کارگران هفت تپه باید از تجربه‌ی کارگران دیگر نقاط ایران و جهان استفاده کنند تا تشکلی پویا و فعال داشته باشند. تعداد کارگران هفت تپه به تعداد کل کارگران شهر (ما سقز) می‌باشد و در یک شرکت با قسمت‌های مختلف کار می‌کنند. کارگران هفت تپه در موقعیت خاصی قرار دارند. پس داشتن یک شورای کارگری و منتخب خود کارگران حق آنان است.

**س: به عنوان آخرین سؤال آقای صالحی به نظر شما چرا باید از استقلال تشکل کارگری دفاع کرد؟ و نقش احزاب و جریان‌های سیاسی را در این استقلال چگونه می‌بینید؟**

**ج:** وقتی ما حرف جنبش را می‌زنیم پس باید از استقلال آن هم دفاع کنیم، چون این جنبش متعلق به کل طبقه‌ی کارگر است نه فعالان حزب یا جریان خاص.

کسانی یا احزابی وجود دارند که تنها هیچ کاری برای طبقه‌ی کارگر نکرده‌اند، بلکه به حال این جنبش هم مضر بوده‌اند. اما هر روز با این جنبش فیگور می‌گیرند و جنبش را از آن خود می‌دانند. این یک استراتژی است نه یک تاکتیک در سیاست این جریان‌ها. این جریان‌های سیاسی هر روز با بوق و کرنا گوش دنیا را کر کرده‌اند، که ما متعلق به طبقه‌ی کارگر هستیم. این جاست که وظیفه‌ی فعالان کارگری چند برابر می‌شود و مبارزه‌ی آنان نباید تعطیل بردار باشد و شبانه روز باید پیگیرانه این جریان‌ها را افشا و تاریخچه‌ی آنان را برای کارگران بازگو کنند. فعالان کارگری نباید طبقه‌ی کارگر را به حال خود بگذارند و دنبال فعالان حزب یا جریان خاص بروند. این وظیفه‌ی فعالان کارگری است که قبل از این که کارگران به روی جریان‌های غیر کارگری لجن بزنند و از آنان مثل ابزار استفاده شود، ماهیت آن جریان را بررسی و به طبقه‌ی کارگر تفهیم کنند که این جریان‌ها تا چه اندازه کارگری هستند. به عنوان مثال، آیا کسی تا به امروز مشاهده کرده است که شخصی خود را برای مجلس یا ریاست جمهوری کاندید کرده باشد و به



سرمایه داران بگویند: من از شما سرمایه داران حمایت می کنم و از جنس شما هستم؟ خوب جواب منفی است، برای این که کلیه ی کاندیداتورها با شعارهای: "ما از محرومان و طبقه ی محروم دفاع می کنیم" به میدان انتخابات می آیند.

این فعالان کارگری و کارگران آگاه هستند که باید در برابر این جریانات کارگر نما به کارگران آگاهی دهند که دیگر بازیچه و ابزار جریانات غیر کارگری نشوند.

**در پایان اگر صحبت دیگری با هم طبقه ها و فعالان کارگری دارید، لطفاً بفرمایید؟**

طبقه کارگر خالق تمام نعمت های این جهان است ، پس لیاقت دارد که یک زندگی انسانی و به دور از گرسنگی و بیکاری داشته باشد . کارگران : ما می توانیم با اتحاد و یک پارچگی این زندگی را به دست آوریم . ( به پیش )

**محمود جان از این که با وجود مشکلات جسمی، شرکت در این گفت و گو را پذیرفتی بی نهایت از تو سپاسگزارم.**

### گزارشی از وضعیت کارومعیشت جوشکاران سیاراشنویه

درحالیکه صاحبان سرمایه روز به روز حریص تر و هارتر میشوند و هرروزه به طوروحشتناکی در پی ارزا نترخریدن نیروی کار کارگران هستند و از هزرترفندی برای استثماریبیشترکارگران استفا ده میکنندواز نعمات وتولیدات کارگران که صاحبان اصلی کارو تولید هستند به نحو احسن برای سازوکارهای تغذیه میکنندتازطرفی انباشت سرمایه سربه اسمان بسایدواز طرفی دیگر انباشت فقر فلاکت وبدبختی کارگران سربه فلک بزند تازه این همه ماجران نیست صاحبان سرمایه برای هرچه فقیرترنگهداشتن کارگران نقشه های شوم دیگری درسر دارند ازجمله تفرقه ورقابت کذایی که میان کارگران بپا میدارند تا هرچه بیشتر جیب هایشان از محصولات کارگران پروپرتر شود .اری سرمایه وابستگی عجیبی به کارداردیعی هر چه بیشتر کار را دراختیار داشته باشد بیشتر تغذیه میکند وسرمایه دار هم به همان مقدار به کارگروابسته است .

در پی رشد صنعت وتکنولوژی در همه عرصه های زندگی :ساختمان سازی هم یکی ازاین عرصه هاست که از حالت سنتی خارج شده است که بر حسب ان مشاغل جدیدی هم افریده است یکی از انها اسکلت بندی فلزی ساختمان است که به دست کارگران زحمتکش جوشکار که به به صورت سیار مشغول فعالیت هستند خلق میشود که با یافتن فصل سرما فعالیت این دسته از کارگران شروع میشودکه چندین مرحله دارد

۱- اولین دغدغه خاطر این قشر محروم فراهم کردن وسایل وامکانات مناسب با کار مربوطه می باشد مثل تعمیروبه راه انداختن موتورجوشهای دیزلی

۲- تهیه سوخت برای فوق که برای سوخت از هفت خوان رستم باید گذر کنند به هر ارگانی مراجعه میکنند دست خالی بر میگرددندو درنهایت مجبورمیشوند که برای تهیه سوخت به بازارسیاه مراجعه کنند که هزینه خرید ان برابراست با نیمی از دستمزد کارگران

۳- معضل پیداکردن کارو نیروی کمکی دراین مرحله حافظان سرمایه کارشان را به مناقصه گذاشته وارزانترین نیروی کاررا خریدار می باشند و اگر در بعضی مواقع ازاین ترفند سربلند بیرون نیابند باشاعه دروغ بین کارگران سعی در متقاعد کردن انها با نازلترین قیمت می باشند این درحالیست که به دلیل دستمزد ناکافی نمی توانند ازنیروی کمکی استفاده کنند وبایداین کار طاقت فرسا خودشان تنهایی انجام دهند ۴- خرید سیم جوش باقیمت های سرسام اور می باشد که نسبت به پارسال قیمتش چند برابرشده است که کارگران مجبورند ان را به صورت نقدی بخرند وبرسر کار ببرند تا این جای کار "کارگران باید چیزی را از جیب شان پرداخت کنند ۵- اگرچه هنگام تسویه حساب بعضی از صاحبکاران با کارگران تسویه حساب میکنند اما در اکثر مواقع کارفرمایان از دسمزد کارگران طفره میروند که طبق امارهای موجود دستمزدها گاها چند سال عقب می افتدکه با توجه به سطح تورم و گرانی سایرکالاها نسبت به نیروی کار دیگر وقتی ان دستمزدرا هم دریافت کنند چیز قابل توجهی نیست .با توجه به موارد اشاره شده واینکه هیچ نهادوارگانی از کارگران حمایت نمی کند و حتی طرف قرارداد بیمه هم نیستندمعضلات بیشماری برای آنها پدیدمی آید .

**کارگران جهان متحد شوید !**

## اخبار کارگری در یک ماه گذشته به نقل از کمیته هماهنگی

### سی و یک نفر از کارگران سد چپر آباد اشنویه اخراج شدند

سد مخزنی در دست احداث روستای چپرآباد واقع در ۱۰ کیلومتری جاده اشنویه - پیرانشهر میباشد. در طول چند سالی که از شروع ساخت این سد میگذرد کارگران این سد بارها از جانب کارفرما مورد تهدید و اخراج به بهانه های واهی قرار گرفته اند. اخیراً تعداد ۳۱ نفر از کارگران علیرغم عدم دریافت حقوق و مزایای ۳ ماه گذشته از کار اخراج شدند. کارگران نسبت به اخراج خود معترض میشوند که در مقابل آنها کارفرما به توجیه مسئله پرداخته و اظهار میدارد که ساختمان سد در دست سپاه پاسداران میباشد و بازگشت به کار آنها را منوط به اخذ تأییدیه از آن ارگان و عضویت در بسیج نموده است. سرمایه و حامیان آن برای حفظ هر چه بیشتر سلطه و کسب سود بیشتر خود ضمن استفاده از تمام ابزارهای سرکوب و ارباب از ترفندهای گوناگون نیز استفاده میکنند. طبقه کارگر نیز لازم است که با اتحاد و همبستگی طبقاتی در مقابل استثمارگران ایستادگی کرده و جهت کسب مطالبات خود تسلیم ترفندهای سرمایه و حامیان آن نشود.

۱۳۸۷/۶/۲

### گزارشی از کارخانه شیشه گیلان

کارخانه شیشه گیلان با ۲۰۵ نفر پرسنل در شهر صنعتی رشت واقع شده است. این شرکت تنها ۲۸ کارگر رسمی داشته و مابقی پرسنل بصورت قراردادی مشغول به کار میباشند. شرکت فوق که از ۲۱ سال پیش تاکنون فعال میباشد در سه سال گذشته مبادرت به تاسیس و راه اندازی یک شرکت تابعه به نام سپهر در شهر ساوه نموده است. البته راه اندازی آن با وام ۷ میلیاردر تومانی میسر گردید که قرار بود صرف خرید تجهیزات شرکت شیشه گیلان گردد. کارگران کارخانه که در شرایط نامساعدی مشغول به کار هستند، مدت ۲ سال هست که هیچگونه بن کارگری دریافت ننموده و حقوقشان را هم بعد ۸۰ روز (دو ماه نیم) دریافت می کنند. شرکت در قبال ۸ ساعت کار روزانه هیچگونه غذایی به کارگران نمی دهد. جالب است که همین شرکت بیشترین قرارداد را با کارخانجات خودرو سازی کشور (سایپا و ایران خودرو) در مقایسه با دیگر شرکتهای شیشه سازی دارد.

هر روز همدم و یار همیشگی آنان تیر آهن های غول آسا میباشد موسیقی آنان صدای گوشخراش موتورهای دیزلی است تفریح آنان بالارفتن از اسکلت های چند طبقه میباشد و ورزش آنان زور آزمایی با آهن پاره های خشن و ببرحم.

درحالیکه این همه نعمات و زیبایی را می آفرینند خودشان از داشتن هرگونه امکاناتی محرومند.

تازه از خطرات جانی سخن نگفته ایم که کارگری از آن ارتفاع سقوط کند یا این تیر آهن غول آسا بر سر کارگران خراب شود خانواده هایشان چه حال روزی خواهند داشت کما اینکه در سال ۸۶ بر سقوط از ارتفاع قطع نخاع شده و حالا به جای تیر آهن و یلچر تنها همدم او شده است در بهار سال ۸۷ هم ۲ نفر از کارگران بر اثر سقوط از ارتفاع منتهای مدیدی در بیمارستانهای ارومیه در کما بودند و وقتی به هوش آمدند دیگر آن ادمهای سابق نبودند چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ فیزیکی و جسمی توانایی سابق را ندارند و میشود گفت یک از جورهایی از کار افتاده اند جالب ایجاست که کس پاسخگو نیست و همه کسانی که از نعمات این کارگران بهره مند شده اند در برابر ناقص العضو شدن و حتی مردن کارگران هیچ مسئولیتی ندارند.

این است شرح حال زندگی رقت بار کارگران که با همه زحمت و تلاش خود و حتی گاهی ب دادن جان خود اسایش و رفاه را به سرما یه داران ارزانی میدارند

کمیته هماهنگی چندین بار اقدام به مشاوره و کمک جهت متشکل کارگران مزبور کرده است و با کمک و همفکری با کارگران موفق به تشکیل شورا هم شده است ولی کارگران تا رسیدن به همه حقوق و مزایای انسانی خود راه سختی را پیش رو دارند که امید است حالا سرمایه در مقیاس جهانی متحد شده کارگران هم با اتحاد خود به این مهم دست یابند.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۳۰ شهریور

چه روزگار عجیبی ست شرکتی که سود بسیار بالایی از تولیدات خود داشته و دارای پیشرفته ترین ماشین آلات و بازار خوبی هم برای فروش فرآورده های خود دارد ، کارگزارش بدلیل شرایط بد کاری ناچار به استعفاء میگردند ، به نحوی که تعداد آنان از دوسال پیش تاکنون به نصف تقلیل یافته است . رانندگان سرویس ایاب و ذهاب پرسنلش باید برای گرفتن حق خود روزها ی متوالی به حسابداری رفته ویا ناچار به تحسن گردند. همین شرکت به شهرداری ، اداره برق ، آب و دارایی بدهکار است . یک وعده غذا به کارگزارش نمی دهد ، در حالی که سود بالای حاصل از فروش محصولاتش را فقط بین مدیران و سرپرستان خود تقسیم می کند. (!!!)

۱۳۸۷/۶/۷

### پیروزی حرکت اعتراضی کارگران کشت و صنعت مهاباد

به دنبال اعتراضات اخیر کارگران شرکت کشت و صنعت مهاباد (واقع در کیلومتر ۱۵ جاده مهاباد- ارومیه) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۳ ماه اخیرشان، امروز دوشنبه ۱۳۸۷/۶/۱۱ تعداد یکصد نفر از کارگران این شرکت به نمایندگی از طرف تمامی کارگران شرکت از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر در مقابل ساختمان دفتر مرکزی شرکت دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته هایشان شدند.

به دنبال حضور کارگران، نمایندگانی از طرف فرمانداری، نماینده مدیر عامل شرکت پنجگانه کشت و صنعت، نماینده اداره اطلاعات استان و نیز مهاباد در محل حاضر شده و پس از چندین ساعت ناچار به قبول مطالبات کارگران که شامل بازگرداندن کارگران اخراجی به سر کارهایشان و پرداخت حقوق معوقه میباشد، شدند.

کارفرما متعهد گردید که حقوق ماههای (تیر، مرداد و شهریور) را به ترتیب تا تاریخهای ۶/۱۷ - ۶/۲۶ و ۱۳۸۷/۷/۱۰ پرداخت نماید و همچنین ۳۶ کارگری که اخراج شده بودند را تا پایان ماه جاری به سر کارهایشان باز گرداند در غیر اینصورت کارگران از تاریخ ۱۳۸۷/۷/۱۷ اعتراضات خود را به شکل وسیعتری از سر خواهند گرفت.

۱۳۸۷/۶/۱۱

### اعتصاب کارگران کارخانه پرریس سنندج

روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۷ کارگران کارخانه پرریس سنندج برای دست یابی به خواست و مطالبات خود از جمله پرداخت دستمزدهای معوقه وارد اعتصاب شدند.

لازم به ذکر است که این کارگران به مدت دو ماه است که دستمزد دریافت نکرده اند. کارفرمای این کارخانه برای جلوگیری از تحسن و اعتراض کارگران بخشنامه ای را صادر کرده است که طبق آن میخوهد کارگران را به مرخصی اجباری بفرستد از طرفی دیگر مدیر این کارخانه به کارگران قول داده است که روز دوشنبه حقوق کارگران را پرداخت خواهد کرد اما کارگران به این ترفندها نیز اعتراض کرده و اعلام کرده اند که اعتصاب و تحسن خود را تا پرداخت حقوق و مطالبات خود و نیز لغو مرخصی اجباری ادامه خواهند داد.

۱۳۸۷/۶/۱۳

### راهپیمایی اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز در سطح شهر

طبق گزارش رسیده امروز یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۷ ساعت ۱۰ صبح کارگران لوله سازی اهواز جهت پیگیری مطالبات و احقاق حقوق خود دست به راهپیمایی زدند لازم به ذکر است که این کارگران راهپیمایی خود را از خیابان نادری شروع و به سمت فلکه شهدا حرکت کردند، کارگران با شعار " ننگ بر این زندگی این همه شرمندگی"، " ۶ ماه حقوق کارگران پرداخت باید گردد" و کارگران حمایت حمایت" خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

۱۳۸۷/۶/۱۷

### تجمع کارگران فرش غرب بافت در مقابل اداره کار سنندج

امروز دوشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۸۷ کارگران شرکت غرب بافت در مقابل اداره کار شهر سنندج دست به تجمع زدند.

کارگران شرکت غرب بافت ساعت ۸ صبح در مقابل اداره کار تجمع کردند و خواهان باز گشت به کار خود شدند. کارگران همچنان با حمل پلاکاردهایی از جمله "ما خواهان بازگشت به کار هستیم"، "ما گرسنه ایم" و ... به اعتراض خود ادامه میدهند. لازم به ذکر است که جلسه هیئت حل اختلاف که قبلا با حضور نمایندگان کارگران و کارفرمایان صورت پذیرفت، نتیجه ای نداشت. کارفرما در این جلسه اعلام کرده بود که حاضر است تعدادی از کارگران

را به سر کار بازگرداند. وعده و وعیدهای کارفرما که تمام تلاش آن ایجاد تفرقه و دو دستگی در میان کارگران بود با اعتراض کارگران روبرو شد. کارگران فرش غرب بافت که با اتحاد و یکپارچگی به اعتراضات برای رسیدن به خواست و مطالبات بر حق خود ادامه میدهند باری دیگر در مقابل اداره کار تجمع کرده و اعلام کرده‌اند که اعتراضات خود را تا رسیدن به اهدافشان ادامه خواهند داد.

۱۳۸۷/۶/۱۸

### ادامه اعتراضات کارگران کارخانه نساجی کردستان

امروز دوشنبه ۱۸ شهریور حدود یکصد نفر از کارگران نساجی کردستان که خواهان پرداخت حقوق معوقه و استمرار کار در کارخانه میباشند، طبق اعلام قبلی خود، باری دیگر در مقابل استانداری برای احقاق حقوق خود دست به تجمع زده‌اند.

کارگران از ساعت ۸ صبح در مقابل استانداری گرد هم آمدند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

لازم به ذکر است که "اقبال‌پور" یکی از مسئولین استانداری کردستان در جمع کارگران حاضر شد و سعی نمود با دادن وعده‌های ریاکارانه، کارگران را متفرق نماید اما کارگران همچنان به تجمع خود ادامه داده و اعلام کرده‌اند که اگر به خواسته‌هایمان رسیدگی نشود، همراه با زن و بچه‌های خود به این اعتراضات ادامه خواهیم داد.

قابل ذکر است که روز گذشته نمایندگان کارگران نساجی در جلسه‌ای با شورای تأمین استان در استانداری، خواسته‌های خود را مطرح کرده اما این جلسه به نتیجه نرسید و بلافاصله نیروهای انتظامی تمام منطقه را محاصره کردند تا کارگران را مرعوب کنند اما اعتراضات کارگران همچنان ادامه دارد.

۱۳۸۷/۶/۱۸

### احضار افشین شمس به دادگاه

طبق گزارش رسیده امروز دوشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۸۷، افشین شمس فعال کارگری و از اعضا کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری دادگاهی میشود.

افشین شمس در تاریخ ۱۳ تیر ماه سال جاری به جرم فعالیت‌های کارگری در محل کارش دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان شد.

لازم به ذکر است که تا به حال اعتراضات گسترده‌ای در سطح بین المللی در دفاع از افشین شمس صورت گرفته است. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری، کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان، اتحادیه کارگران پست کانادا، اتحادیه خدمات استرالیا و ... به دستگیری افشین شمس اعتراض نموده و خواستار آزادی بی قید و شرط وی شده‌اند.

۱۳۸۷/۶/۱۸

### ملحق شدن کارگران فرش غرببافت به تجمع اعتراضی کارگران نساجی در مقابل استانداری

امروز چهارشنبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۸۷ کارگران کارخانه نساجی کردستان که خواهان استمرار کار و دریافت حقوق معوقه خود هستند، از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱ بعد از ظهر در مقابل استانداری، باری دیگر دست به تجمع زدند. قابل ذکر است که کارگران شرکت فرش غرببافت نیز با در دست داشتن پلاکاردهایی، در ساعت ۱۲ بعد از ظهر به تجمع کارگران نساجی کردستان در مقابل استانداری ملحق شدند. کارگران بدون اهمیت دادن به حضور نیروهای امنیتی و حفاظتی، بر ادامه تجمع اعتراضی خود تا رسیدن به خواست و مطالباتشان تاکید کردند. لازم به ذکر است که کارگران شرکت فرش غرببافت برای رسیدگی به خواست و مطالبات خود در مقابل اداره کار برای چند روز متوالی تجمع کردند. طبق قرار قبلی، کارگران اعلام کرده بودند که در صورت عدم رسیدگی به خواست و مطالباتشان به تجمع کارگران نساجی کردستان در مقابل اداره کار خواهند پیوست. با پیوستن کارگران شرکت فرش غرببافت به تجمع کارگران نساجی، روحیه اعتراضی کارگران بیشتر شد و کارگران این مراکز تولیدی بر تحقق خواست و مطالباتشان پای فشاری کرده و اعلام کردند چنانچه به وضعیت آنها رسیدگی نشود، تجمع اعتراضی آنها ادامه خواهد داشت. تجمع کارگران در ساعت ۱ بعد از ظهر به علت نا مساعد بودن هوا و بارندگی شدید پایان یافت.

۱۳۸۷/۶/۲۰

## مرگ یک کارگر در اهواز

بر اساس خیر رسیده از شرکت کشت و صنعت مها باد ، امروز یکشنبه سی و یکم شهریور ماه تعداد دویست و پنجاه الی سیصد نفر از کارگران این شرکت از ساعت هفت و نیم صبح در اعتراض به خلاف وعده کارفرما مبنی بر پرداخت دستمزد معوقه کارگران ، در مقابل دفتر مرکزی شرکت واقع در کشتارگاه تجمع کردند. یکی از مدیران شرکت بنام سهیلی، فریبکارانه قول پرداخت دستمزد کارگران واحد جوجه کشی را امروز و پرداخت دستمزد کارگران دیگر واحدها را به روز چهارشنبه موقوف می کند که این امر با مخالفت شدید کارگران مواجه می شود. تا ساعت یازده که کارگران تصمیم میگیرند تجمع خود را به دم در فرمانداری منتقل کنند و همین کار را میکنند و اکنون به داخل سالن فرمانداری منتقل شده اند. اکنون کارگران به غیر از دستمزدهای معوقه ، خواهان دریافن سنوات خود نیز میباشند. در این تجمع کارگران واحدهای یک و دو و سه و واحد جوجه کشی و همچنین تعدادی از کارگران کشتارگاه شرکت دارند .

۱۳۸۷/۶/۳۱

## تجمع کارگران فرش غرب بافت و پرریس سنندج

امروز ۳۱ شهریور ماه ۸۷ کارگران فرش غرب بافت، در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند. در این روز، از طرف هیئت تشخیص اداره کار برای تمامی کارگران فرش غرب بافت حکم اخراج صادر شد که کارگران به این حکم ناعادلانه اعتراض کردند.

همچنین کارگران ریسندگی پرریس سنندج در ساعت ۴ بعد از ظهر به اداره کار مراجعه کردند. طبق قرار قبلی جلسه ای با حضور نماینده کارگران پرریس و نماینده کارفرما و اداره کار تشکیل شد. این جلسه تا ساعت ۷ بعد از ظهر طول کشید اما هیچ نتیجه ای برای کارگران حاصل نشد.

۱۳۸۷/۶/۳۱

## اخراج ۹ نفر از کارگران شرکت پریان مرغ رشت

۹ نفر از کارگران شرکت پریان مرغ رشت ، در اعتراض به شرایط بسیار سخت و طاقت فرسای کار و بهره کشی توسط

طبق خبر رسیده محمد فرزند عبدالله اهل روستای عزیز آباد جوانرود( از توابع کرمانشاه ) که در شهر اهواز مشغول به کار بوده بر اثر ایست قلبی فوت کرده است. نامبرده از کارگران فصلی بوده که به علت سختی کار در زمانی که برای رفع تشنگی ناشی از شدت کار مشغول نوشیدن آب بوده بلافاصله سخته و در همانجا جان میبازد. ما این ضایعه را به خانواده و بستگان آن عزیز تسلیت میگوئیم.

۱۳۸۷/۶/۲۳

## مرگ دلخراش سه کارگر شرکت فومن شیمی

بنا به گزارش رسیده از کارخانه فومن شیمی که تولید کننده انواع روغن های ماشین آلات سنگین و سبک می باشد ، در تاریخ ۸۷/۶/۱۳ بر اثر انفجار مخزن سوخت در سالن ساخت و تولید، ۳ نفر از کارگران این شرکت بدلیل سوختگی شدید ناشی از انفجار جان خود را از دست دادند . اسامی این کارگران عبارت است از اکبر نجفی ، عباس گیتی بین و رضا ولی الهی . دوفرد اول در دم جان باخته اما نفر سوم بعد از ۱۱ روز بر اثر شدت سوختگی و جراحات وارده فوت نمود.

۱۳۸۷/۶/۲۶

## تداوم تجمع کارگران ریسندگی پرریس سنندج و فرش غرب بافت

امروز سه شنبه ۲۶ شهریور ماه کارگران پرریس سنندج و فرش غرب بافت برای سومین روز متوالی، در اقدامی مشترک در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند. در این تجمع کارگران با حمل دست نوشته هائی که بر روی آن نوشته شده بود "سکوت در حق کارگر خیانت" "زندگی انسانی حق مسلم کارگر" " ما خواستار حقوق معوقه هستیم" دست به اعتراض زدند. این تجمع از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۴ بعد از ظهر ادامه داشت.

۱۳۸۷/۶/۲۶

## شروع مجدد اعتراضات کارگری شرکت کشت و صنعت مها باد

## توضیحات

(عکس روی جلد از سایت خبری ایسنا گرفته شده)

کارفرمای شرکت اخراج شدند. این کارگران که پس از سالها کار و تحمل بیرحمانه ترین نوع استثمار، دیگر نخواستند که به شرایط بغایت تحمیلی و توحش آمیز کارفرما، مبنی بر اینکه در طول هفته تنها یکبار و آنهم در روزهای مقرر، مرغ داری را ترک نمایند و در بقیه ی اوقات هفته، به طور شبانه روزی در شرکت حضور داشته باشند تن در دهند، از کار اخراج شدند. کارگران یاد شده که به صورت قرار دادی در این شرکت کار می کردند، در طول این سالها، هر بار به هنگام پایان مدت قرارداد قبلی و تنظیم قراردادهای جدید، به دلیل عدم امنیت شغلی و نیز به این خاطر که همان کار طاقت فرسا را از دست بدهند و گرفتار عفریت بیکاری و دربدری نشوند، از پیش توسط کارفرمای زالو صفت، مجبور به امضای متنی می شدند دایر بر اینکه، "کارگران کلیه ی حقوق و سنوات قانونی خاتمه ی خدمت خود را دریافت نموده و از این بابت هیچ مطالبه ای از شرکت ندارند". در حالیکه حتی یک ریال هم بابت این موضوع دریافت نکرده اند.

کارگران پس از اخراج شکایتی علیه کارفرمای حریص و ضد کارگر شرکت تنظیم کرده اند که به همراه وکیل و مدارک قانونی و محکمه پسند، که خود کارگران نیز آن ها را امضاء نمودند، از پیش خود را برای یک چنین روزهایی آماده کرده بودند

آیا کارگران، در این گونه مبارزات به اصطلاح قانونی و بغایت نابرابر علیه کارفرمایان و حامیان آنان، در ارگانها و نهادهای اجرایی و قضایی، پیروز خواهد شد؟ آیا هم زنجیران و هم طبقه ای های این کارگران، تنها و تا به آخر می خواهند شاهد و ناظر این گونه بی عدالتی ها و ظلم های آشکار و غیر انسانی باشند؟ آیا کارگران که هر روزه شاهد ناظر تهاجمی جدید، علیه امنیت شغلی و حقوق حقه ی خویش هستند، نمی خواهند با پیدا کردن همدیگر و ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی خود، در مبارزه های آشکار و رودر رو، سرمایه داران و حامیان آنان را بر سر جای خود بنشانند و یک زندگی در خور انسان را تجربه کنند؟

آیا کارگران، به مثابه یک طبقه ی قدرتمند اجتماعی، می خواهند همچنان متفرق و پراکنده و در نتیجه همچون کارگران اخراجی پریان مرغ، بی پناه و تحت ستم باقی بمانند؟

۱۳۸۷/۶/۳۱

**تشکل مستقل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم**